

هشدار هشت کشور بزرگ صنعتی به جمهوری اسلامی

می‌باشد. در میان این کشورها آمریکا و انگلیس خواهان برخورد صریح‌تر با حکومت تهران بودند. آنها تمایل داشتند که در بیانیه از رژیم ایران به عنوان حکومت یاغی و قانون شکن یاد شود. عناوینی که کریستوفر وزیر خارجه ای آمریکا تا کنون چند بار به کار برده است. چنانکه از متن بیانیه برمی آید آمریکا و انگلیس در موضع خود عقب نشینی کرده و در مقابل آلمان و

در پایان کنفرانس کشورهای بزرگ صنعتی که در اخیراً در ایتالیا برگزار شد، بیانیه‌ای در ارتباط با حمایت رژیم ایران از تروریسم صادر شد. متن مزبور به وسیله نخست وزیر ایتالیا در حضور سران کشورهای آلمان، آمریکا، ایتالیا، انگلیس، ژاپن، فرانسه، کانادا و روسیه خوانده شد. متن یاد شده حاصل توافق نمایندگان کشورهای بزرگ صنعتی

رژیم نشریه "ایران فردا" را تعطیل کرد

نشریه ایران فردا از دو سال پیش آغاز به انتشار کرد و از موضع یک نیروی مذهبی پوزیسیون، حکومت را مورد انتقاد های گاه بسیار شدید قرار می‌داد. این نشریه بخاطر تحلیل‌ها و تحقیقات عمیق به ویژه در زمینه مسائل اقتصادی و همچنین سیاسی با استقبال روشنفکران و صاحب نظران مواجه شده بود. "ایران فردا" از جمله نشریاتی بود که از دموکراسی و آزادی احزاب

رژیم نشریه "ایران فردا" را که بصورت ماهانه به مدیریت مهندس سحابی در تهران انتشار می‌یافت، تعطیل کرد. این خبر در "نامه مردم" به تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۷۳ درج شده است. بنوشته این نشریه، سعید مدنی از دست‌اندرکاران ایران فردا دستگیر و زندانی شده است و دکتر پیمان و هراداران او در "جنبش مسلمانان مبارز" نیز تحت فشار قرار گرفته و تنی چند از آنها دستگیر شده‌اند.

گزارش سالانه عفو بین الملل انتشار یافت

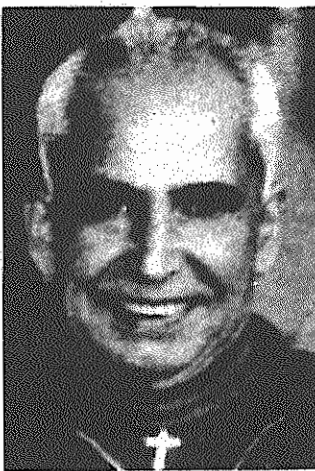
سازمان عفو بین الملل هفته گذشته گزارش جامع خود را در یک کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای منتشر کرد که در آن موارد نقض و تخطی از موازین حقوق بشر در سال ۹۳ در ۱۶۰ کشور جهان بطور جداگانه، مورد به مورد گزارش شده است. عفو بین الملل در مقدمه کتاب اشاره کرده است که این گزارش بدان معنا نیست که در سایر کشورها (حدود ۲۰ کشور) که گزارش بدان‌ها اشاره‌ای ندارد) وضعیت حقوق بشر مطلوب و بدون ایراد است.

عفو بین الملل در سال ۹۳ هشتاد و سه حیات نمایندگی را به کشورهای مختلف جهت تحقیق، نظارت در دادگاه‌ها و یا برای مذاکره با دولت‌ها اعزام داشته است. گزارش تقریباً تمام کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی را نیز در بر می‌گیرد و به موارد نقض حقوق بشر در آن کشورها نیز اشاره دارد. اما در این کشورها از موارد نقض خشن حقوق بشر، اعدام، ترور، شکنجه، آدم ربائی سیستماتیک، بازداشت طولانی بدون محاکمه، عدم دسترسی به کیل مدافع و مشاور حقوقی شواهدی ذکر نشده است. گزارش به رفتار ناهنجار پلیس آلمان، دانمارک و فرانسه با بازداشت شدگان بویژه خارجی‌ها، رفتار بد و عدم مراقبت از پناهندگان بویژه در برابر تهاجم افراطیون به آنها اشاره دارد.

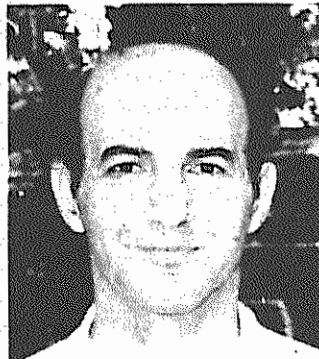
مطالبی که در کتاب ۴۰۰
ادامه در صفحه ۸

با قتل دو کشیش مسیحی دیگر خشونت علیه جامعه مسیحیان ایران به اوج رسید

- کشیش میکائیلان حکومت ایران را یک دیکتاتور مذهبی خوانده بود
- هر ۳ کشیشی که اخیراً در تهران به قتل رسیده‌اند، از امضای بیانیه "برابر حقوقی مسیحیان" در ایران خودداری کرده بودند
- احزاب و گروه‌های سیاسی کشور، مسئولیت این جنایت را متوجه جمهوری اسلامی دانستند



کشیش دیباچ



کشیش میکائیلان

در روزهای چهارشنبه ۱۵ تیر ماه (۶ ژوئیه) و پنجشنبه ۱۶ تیرماه (۷ تیرماه)، اجساد دو کشیش مسیحی ایرانی به نام‌های "تاتابوس میکائیلان" و "مهدی دیباچ" در تهران کشف شد. بر اساس نوشته روزنامه‌های تهران کشیش میکائیلان روز شنبه ۱۱ تیرماه (۲ ژوئیه) و کشیش مهدی دیباچ روز سه شنبه ۱۴ تیرماه (۵ ژوئیه) به قتل رسیده‌اند. با قتل دو کشیش نام برده تعداد پیشوایان مذهبی مسیحی که در ۵ ماه گذشته در کشور قربانی شده‌اند به ۳ تن افزایش یافت. کشیش "هایک هوسپیان مهر چندی" پیش توسط "فردای مشکوک" به قتل رسید و حادثه غم انگیز قتل او به سرعت از سوی حکومت فراموش شد و کسی نیز بازداشت نشد.

تاتابوس میکائیلان جانشین هوسپیان مهر در مقام ریاست شورای کشیشان کلیساهای انجیلی ایران بود. میکائیلان از اوان انقلاب سیاستهای تبعیض آلود حکومت را مورد انتقاد قرار داده بود. او با راد یوهای خارجی مصاحبه‌هایی کرده بود که حکومت را بسیار خشمگین کرد. میکائیلان در جریان

ادامه در صفحه ۲

نجف آباد همچنان ناآرام است

به گزارش خبرنگار برون مرزی حزب ملت ایران، در جریان این درگیری‌ها ده‌ها تن کشته و زخمی شدند. با بالا گرفتن تشنج در شهر نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی که با واحدهای ضربتی فرستاده شده از اصفهان تقویت شده بودند، کنترل شهر را به دست گرفتند. آخرین گزارش حاکی است که اوضاع شهر نجف آباد همچنان متشنج است و مبادی ورود و خروج شهر توسط مأموران امنیتی پشددت کنترل می‌شود.

عنوان امام جمعه جدید انتخاب گردید. اما حکومت به مخالفت با این اقدام مردم برخاست و فرد دیگری را به این مقام منصوب کرد. به رغم این انتصاب، مردم نماز جمعه را به امامت آقای ایزدی برگزار کردند. در پی این اقدام حجت الاسلام ایزدی توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. مردم نجف آباد به طرفداری از وی به تظاهرات پرداختند و مواظبت امنیتی در گشت‌های مردمی با مردم کار را به درگیری میان مردم و عوامل حکومت کشاند.

دو هفته پس از درگیری‌های خونین در شهر نجف آباد که میان مردم شهر ایزدی از یکسو و مأموران انتظامی از سوی دیگر رخ داد، گزارش می‌رسد که شهر نجف آباد به رغم تسلط نیروهای حکومتی بر آن، همچنان ناآرام و متشنج است. زد و خورد های خونین نجف آباد پس از آن آغاز شد که در گذشت امام جمعه، حجت الاسلام ایزدی از طرف مردم شهر به

استمداد برای توجه به اوضاع فاجعه بار در کردستان عراق

بدنیال وخامت اوضاع در کردستان عراق، از سوی عموم سازمان‌های غیر دولتی و خیریه که در کردستان عراق در استان سلیمانیه فعالیت می‌کنند نامه‌ای اعتراض آمیز و استمداد طلبانه به دبیرکل سازمان ملل ارسال شده است. این نامه ضمن تشریح اوضاع وخامت بار در سلیمانیه کردستان عراق که بر اثر مداخله جمهوری اسلامی پدید آمده است از دبیرکل سازمان ملل و از رئیس جمهوری آمریکا می‌خواهد که به اقدام فوری برای جلوگیری از تداوم فاجعه مبادرت ورزند. این سازمان‌ها صرفاً خیریه‌اند و کمک‌های انساندوستانه را از اقصی نقاط

ادامه در صفحه ۳

استغفای مدیر روزنامه کیهان

اندیشمندان) که جهت گیری آن همواره مورد تأیید خامنه‌ای بوده است، تجلیل کرد. به این ترتیب مهدی نصیری که از شهریور سال ۱۳۶۷ تا کنون مدیریت روزنامه کیهان را به عهده داشت و به خاطر فحاشی و اتهام زنی به ادیبان و هنرمندان و حتا مسئولان جمهوری اسلامی دارای ۵ پرونده‌ی شکایت در دادگستری است، تنها سردبیر روزنامه‌ی کیهان خواهد بود. گفته می‌شود از زمان انتصاب شریعت‌مداری به سرپرستی و نمایندگی خامنه‌ای در مؤسسه کیهان اختلاف سلیقه بین وی و مهدی نصیری حاد شده و به ویژه اعلام نارضایتی رفسنجانی از روزنامه‌ی کیهان در مصاحبه‌ی اخیرش و اعمال فشار وی، در کناره‌گیری نصیری از مسئولیتش مؤثر بوده است. با وجود این با توجه به

مهدی نصیری مدیر مسئول روزنامه کیهان طی نامه‌ای به حسین شریعت‌مداری نماینده خامنه‌ای در کیهان و سرپرست مؤسسه کیهان از مسئولیت خود استعفا داد و پیشنهاد کرد مسئولیت روزنامه را نیز سرپرست مؤسسه بعهده گیرد. نصیری در نامه خود به شریعت‌مداری وحدت در مدیریت روزنامه و مؤسسه کیهان را عامل مؤثری در پیشبرد امور پرشتاب روزنامه کیهان خواند و خواهان طی مراحل قانونی این انتقال شد.

این پیشنهاد از طرف شریعت‌مداری حاشیه‌نویس و نویسنده‌ی ستون "دست‌انداز" کیهان هوایی و نماینده‌ی جدید خامنه‌ای که از چند ماه پیش به جای محمد اصغری به سرپرستی مؤسسه کیهان منصوب شده است، پذیرفته شد. وی از شجاعت "مهدی نصیری در برخورد با معضلات فرهنگی و اجتماعی (زدن اتهام به هنرمندان و

کشتار رهبران مسیحی چرا جمهوری اسلامی متهم است؟

قتل فجیع تاتابوس میکائیلان و مهدی دیباچ روحانیان برجسته‌ی مسیحیان پروتستان ایران (جماعت ربانی) در فاصله‌ی کوتاهی پس از انفجار حرم امام رضا در مشهد، همزمان با بازداشت حسن شاه جمالی، بانی پالنت نیل و یونس بیت صیاد سه روحانی دیگر مسیحی و توطئه قتل اسقف ایرج متحده و دمیتری پلوس از کلیسای لوقای اصفهان، نشان از ابعاد بی‌سابقه فشار بر هموطنان مسیحی و اقدامات گسترده‌ای می‌دهد که "شاه‌های قومی و مذهبی و خطرای ایجاد درگیری و خشونت در میان پیروان مذاهب گوناگون در ایران دامن زده است.

سابقه‌ی قتل و ترور روحانیان مسیحی به تأسیس جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. سربریدن کشیش ارسطو سیاح در اوائل انقلاب، کشتن بهرام دهقانی تفتی پسر اسقف دهقانی تفتی، به دار آویختن کشیش حسین سودمند در گرگان به جرم ارتداد و سر به نیست کردن کشیش هوسپیان مهر در حدود ۶ ماه پیش و به طریق مشابه قتل‌های اخیر، همگی به طور مستقیم توسط دستگاه‌های سرکوب رسمی رژیم و یا به اشاره و با حمایت آن توسط پانده‌های سیاه حکومتی صورت گرفته‌اند.

با وجود تمام این سوابق جنایتکارانه، رژیم تلاش می‌کند خود را نسبت به قتل‌های اخیر پاک دامن جلوه دهد و مسئولیت این قتل‌ها را به گردن مجاهدین بیاندازد. اما هیچکس فراموش نکرده است که کشیش مهدی دیباچ، مسیحی ۵۹ ساله‌ای که از ۴۰ سال پیش به این کیش گرویده بود، مدت ۹ سال در زندان‌های رژیم به سر برده و از سوی همین رژیم حکم اعدام گرفته بود. او تنها بر اثر فشارهای بین المللی و کوشش افرادی چون کشیش هوسپیان مهر از زندان و خطر اعدام در آن هنگام رهایی یافت. هیچ کس فراموش نکرده است که کشیش میکائیلان از مخالفین فعال سیاست تبعیض مذهبی حکومت اسلامی بود. و این مخالفت را بارها نیز اعلام کرده بود.

سابقه‌ی آدمکشی و انداختن پیشرمانه گناه آن به گردن دیگران، آتیم دردها مورد، عموم مردم را به این باور رسانیده که این گونه جنایات نمی‌تواند از درون عوامل و محافل خود این رژیم نشأت نگرفته باشد. از قتل توماج و همزمان به دست خلخال و انداختن آن به گردن گروه اشرف دهقانی گرفته تا کشتار دکترا قاسم سلوود کتر شرفکندی و دکترا ساسی و دیگران و دیگران و مسبب آنرا دیگران معرفی کردن، تا قتل ترها که فاجعه سینما ریس را به راه انداختند که باز هم گناهش را به گردن دیگران بیاندازند، همه و همه می‌گویند دست عوامل این رژیم نمی‌تواند در این جنایت در کار نباشد.

اگر رژیم راست می‌گوید، چرا به خواست مجامع بین المللی مسیحی تن نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد یک هیئت تحقیق بین المللی بیطرف

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آیا این کار امیدوارکننده است؟

ما حکومت ایران را فرامی‌خوانیم که به شیوه سازنده در تلاش‌های بین‌المللی برای تضمین صلح و ثبات شرکت جوید و رفتار خود را - که ناسازگار با این اهداف است - بویژه در قبال تروریسم، تغییر دهد.

اینکه این موضع‌گیری در جریان کنفرانس سران ۸ کشور و در بیانیه پایانی آن اعلام شده است بر اهمیت آن می‌افزاید. حکومت ایران در برابر این فراخوان واکنشی بسیار سخت و خشمگین نشان داده و کوشیده است آن را بیشتر زیر سرانگلیس و آمریکاییان بدانند که دیگران هم - از جمله ژاپن و آلمان - را بدنبال خود کشانیده‌اند.

نقش ایران در قبال تروریسم آمده کاملاً واقعی است. یعنی ایران واقعه‌ها تنها در تلاش‌های بین‌المللی برای تضمین صلح و ثبات مشارکتی ندارد، بلکه عملاً رودرروی آن ایستاده است. نمونه سیاستی که ایران در قبال مساله فلسطین دنبال می‌کند، نمونه برخورد ایران در کردستان عراق و در افغانستان، نمونه نقش ایران در تاجیکستان، رابطه‌ی ایران و سودان و نقش این دو در مصر و چندین و چند نمونه‌ی دیگر که همه و همه فاکت‌هایی است در اثبات صحت و اصولیت موضع اعلام شده در کنفرانس سران ۸ کشور.

اینکه سران ۸ کشور صنعتی جهان مشترکاً از ایران خواسته‌اند رفتار خود در عرصه‌ی بین‌المللی را تغییر دهند خود یک نشانه‌ی امیدوارکننده است. مشروط بر اینکه رفتار خود این کشورها - بویژه آلمان و ژاپن - نیز در عمل هماهنگ با موضع اعلام شده باشد. به تجربه دیده شده آنچه که علناً در این کنفرانس‌ها گفته می‌شود در مناسبات دو جانبه نیز عملاً و با همان استحکام بکار بسته نمی‌شود. تردیدی نیست میان آنچه اینان در خلوت می‌کنند با آنچه که در محراب و منبر می‌کنند تفاوت از زمین تا آسمان است. همین هفته گذشته بود که هماهنگ‌کننده‌ی سازمان‌های امنیتی آلمان به تهران رفت و با دست پر بازگشت. فراخوان ۸ کشور صنعتی جهان زمانی تأثیری مطلوب و کامل خواهد داشت که منافع اقتصادی امضا کنندگان تابع آن گردد. آیا می‌توان امضای فرانسه را زیر فراخوان به ایران در زمینه دست‌نکشیدن از تروریسم جدی گرفت وقتی که این دولت خود در عمل تروریست‌های زندانی شده در فرانسه را - نه به دلیل تیره آنان - بلکه با ستاد مصالح ملی به ایران بدرقه می‌کند؟

اعلام موضع رسمی خود یک گام به پیش است. برافروختگی رژیم بیوه نیست، این موضع‌گیری می‌تواند با پشتیبانی و پیگیری اپوزیسیون ایران، بویژه با همکاری با مطبوعات و رسانه‌ها تا حد معین تقویت شود. اعمال فشار بین‌المللی برای وادار ساختن رژیم به تغییر رفتار خود باید مورد پشتیبانی همه‌ی ایرانیان آزاد بخواند و میهن‌دوست قرار گیرد. و بالاخره، در رابطه با فراخوان سران ۸ کشور یک سؤال بزرگ رودرروی همگان است. چرا این موضع‌گیری فقط خود را به اشاره‌ای به رفتار ایران در عرصه بین‌المللی محدود ساخته است؟ چرا در آن به رفتار رژیم در قبال حقوق بشر اشاره‌ای نشده است؟ آیا رفتار رژیم در این ارتباط "مطلوب" تشخیص داده شده؟ و با حقوق بشر این بار جزو "امور داخلی" ایران تشخیص داده شده و از مداخله در آن پرهیز شده است؟ اینکه سران دولت‌های بزرگ صنعتی رفتار ایران در عرصه‌ی مناسبات بین‌المللی را در مد نظر داشته و رفتار این دولت با شهروندان را به فراموشی سپرده‌اند دقیقاً بازتاب این فکر است که آنان همچنان "مصالح ملل" را مقدم بر اصول عقیدتی خود قرار می‌دهند. استقبال ما ایرانیان از این فراخوان زمانی کارسازتر است که تلاش شود دنیا قبل از همه اینان را به دلیل رفتارشان با انسان مورد نکوهش قرار دهد.

هشدار کشورهای بزرگ

ما حکومت ایران را فرامی‌خوانیم که به شیوه سازنده در تلاش‌های بین‌المللی برای تضمین صلح و ثبات شرکت جوید و رفتار خود را - که ناسازگار با این اهداف است - بویژه در قبال تروریسم، تغییر دهد. این که این موضع‌گیری در جریان کنفرانس سران ۸ کشور و در بیانیه پایانی آن اعلام شده است بر اهمیت آن می‌افزاید. حکومت ایران در برابر این فراخوان واکنشی بسیار سخت و خشمگین نشان داده و کوشیده است آن را بیشتر زیر سرانگلیس و آمریکاییان بدانند که دیگران هم - از جمله ژاپن و آلمان - را بدنبال خود کشانیده‌اند. نقش ایران در قبال تروریسم آمده کاملاً واقعی است. یعنی ایران واقعه‌ها تنها در تلاش‌های بین‌المللی برای تضمین صلح و ثبات مشارکتی ندارد، بلکه عملاً رودرروی آن ایستاده است. نمونه سیاستی که ایران در قبال مساله فلسطین دنبال می‌کند، نمونه برخورد ایران در کردستان عراق و در افغانستان، نمونه نقش ایران در تاجیکستان، رابطه‌ی ایران و سودان و نقش این دو در مصر و چندین و چند نمونه‌ی دیگر که همه و همه فاکت‌هایی است در اثبات صحت و اصولیت موضع اعلام شده در کنفرانس سران ۸ کشور.

کار را به دست آشنایان خود بسازید!

خشونت علیه جامعه ...

ادامه از صفحه

سفری که چند سال پیش به دعوت یک سازمان مسیحی به هلند کرد، حکومت اسلامی را یک دیکتاتور مذهبی و همانند نازی‌ها خوانده بود. مهدی دیباج نیز برای ایرانیان چهره‌ای شناخته شده بود. وی ۹ سال از زندگی خود را در زندانهای جمهوری اسلامی گذرانده بود و چندین پیش‌بازار تلاش‌های هوسپندان مهر و فشارهای گسترده بین‌المللی از زندان آزاد شد. مقامات حکومت جرم وی را "ارتداد" و گرویدن به دین مسیحیت اعلام کرده و به همین دلیل او را محکوم به اعدام کرده بودند. مهدی دیباج در دفاعیات خود در بیدگاه رژیم، مسیحی‌بودنش را عامل دستگیری و محکومیت خود خوانده بود. از او خواسته بودند که به "آغوش خدا" برگردد و دوباره مسلمان شود. دیباج گفته بود، قبل از گرایش به مسیحیت نه مسلمان که غیرمذهبی بوده است. هایدک هوسپندان مهر، تا تابوس میکائیلیان و مهدی دیباج که در ۱۵ ماه اخیر به قتل رسیده‌اند، از رهبران کلیسای پروتستان ایران بودند. آنها از امضای بیانیه‌ی مبنی بر "آزادی کامل و برابری حقوقی مسیحیان در جمهوری اسلامی سر باز زده بودند. این بیانیه در پاسخ به گزارش‌های ریچارد گالیندوئل نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، در مورد فشار وارده بر اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی، از سوی عوامل رژیم تهیه شده و به امضای رهبران برخی از اقلیت‌های مذهبی رسیده بود.

حکومت بر خلاف رویه همیشگی خود، این بار تبلیغات پر دامنه‌ای را در مورد قتل این دو کشیش به راه انداخت. صدای جمهوری اسلامی در اولین گزارش‌های خود گفت جسد کشیش میکائیلیان در غرب تهران کشف شده است، در حالی که روزنامه‌ها پس از دستگیری "فرحنازانی" متهم ۲۶ ساله قتل تا تابوس میکائیلیان نوشتند که جسد وی در یک فریزر در "خانه‌ای تیمی" پیدا شده است. تا تابوس میکائیلیان روز چهارشنبه ۸ تیر (۲۹ ژوئن) از خانه خود خارج شده بود. به گفته پزشک قانونی وی با سه گلوله که به نقاط حساس بدن او شلیک شده، به قتل رسیده است. جسد مهدی دیباج در یکی از پارک‌های جنگلی غرب تهران کشف شد. دیباج پیش از آنکه کشته شود از ساری خارج شده و پس از شرکت در یک کنفرانس مذهبی عازم تهران

بود. وی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. مقامات رژیم و روزنامه‌های وابسته به حکومت، یکصد و هشتاد و یک نفر را متهم به قتل کشیش اعلام کردند. وزارت اطلاعات دستگیری خانمی به نام "فرحنازانی" را اعلام کرد که گویا از اعضای سازمان مجاهدین بوده و به قتل کشیش میکائیلیان و دخالت در قتل کشیش دیباج اعتراف کرده است. روزنامه‌های رژیم به نقل از "اعترافات" خانم نامی نوشتند وی به دستور رهبری سازمان مجاهدین طرح آشنایی با کشیش میکائیلیان را ریخته و او را به پنهان شدن در دوستانش، که آمادگی پیوستن به مسیحیت را داشته، به یک خانه تیمی برده است. بنا به این "اعترافات" کشیش مذکور در خانه تیمی با شلیک چند گلوله به قتل رسانده و جسد او را در فریزر خانه مخفی کرده‌اند. فرحنازانی می‌تواند شاهدی در محفل دفن جسد مهدی دیباج را نیز تهیه کرده و در اختیار تیم مسئول این جنایت قرار داده است. هنرمان با این اعترافات روزنامه‌های رژیم به مصاحبه با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی و درج اخبار اقدامات اعتراضی اقلیت‌های مذهبی علیه "جنایات منافقین" پرداختند.

اپوزیسیون رژیم دروغ می‌گوید

سازمان مجاهدین خلق ادعاهای رژیم در مورد قتل دو کشیش از سوی این سازمان را تکذیب کرد. جز عوامل و روزنامه‌های رژیم هیچکس این ادعا را جدی نگرفته است. احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی با صدور بیانیه‌هایی قتل ۲ کشیش مسیحی را محکوم کردند و این جنایات را مستقیم یا غیرمستقیم کار حکومت اسلامی دانستند. قتل ۲ کشیش مسیحی در خارج از کشور نیز بازتاب وسیعی یافت. پاره‌ای از سازمان‌ها، مقامات مذهبی و دولتی نیز قتل دو کشیش مسیحی را محکوم کرده و نسبت به ایذا و آزار اقلیت‌های مذهبی در ایران اعتراض کردند. سازمان عفو بین‌الملل خواستار انجام تحقیقات فوری پیرامون این جنایات شد. برخی از مقامات کلیسا در اروپا نیز خواهان اعزام یک هیئت بین‌المللی برای تحقیق در این زمینه شدند. پاره‌ای از احزاب و گروه‌های سیاسی

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون

قتل جنایتکارانه رهبران مذهبی جامعه مسیحیان ایران

یک هفته پس از قتل اسقف میکائیلیان کشیش کلیسای مسیحیان ایران، جسد مهدی دیباج کشیش دیگر مسیحی در یوز چهارشنبه در پارک جنگلی غرب تهران پیدا شده است. مهدی دیباج را که از چند روز قبل ناپدید شده بود، مخفیانه ریخته و به قتل رسانده‌اند. اسقف میکائیلیان نیز به همین ترتیب ریخته شده و به ضرب گلوله به قتل رسیده است. کشیش دیباج پیش از آنکه به قتل برسد، به اتهام گرویدن به مسیحیت، مدت ۹ سال زندانی بود و چند ماه پیش بر اثر فشار بین‌المللی از زندان و خطر اعدام نجات یافت.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قتل جنایتکارانه اسقف میکائیلیان و کشیش مهدی دیباج را بشدت محکوم می‌کند و مراتب همدردی و تسلیت خود را با خانواده‌ی این دو قربانی و همه هموطنان مسیحی خود اعلام می‌دارد. ما خواهان روشن شدن چگونگی قتل این دو نفر و نیز قتل کشیش هوسپندان مهر هستیم که حدود ۶ ماه پیش به همین طریق به قتل رسید و از جمیع بین‌المللی طرفدار حقوق بشر می‌خواهیم که دولت تهران را برای پذیرش یک هیئت بی‌طرف بین‌المللی برای تحقیق در این باره زیر فشار بگذارد.

حوادثی چون انفجار در حرم حضرت امام رضا، قتل کشیش‌های مسیحی که در چند ماه گذشته به سه مورد رسیده است و نیز خبرهای مربوط به کشف بمب در حرم حضرت معصومه در قم و مقبره‌ی خمینی همه نشان از دسیسه‌ای می‌دهند که هدف آن دامن زدن به خشونت مذهبی است. ما تردید نداریم که گروه‌های حکومتی و عوامل ضد ایرانی در خارج مسبب و محرک اصلی این دسیسه می‌باشند. سیاست‌های افراطیون شیعه که بر حکومت مسلط‌اند، زمینه ساز اصلی این توطئه است. در تاریخ کشور ما هیچگاه اقلیت‌های مسیحی، یهودی، بهایی و حتا مسلمانان اهل سنت و دیگران تا این حد مورد آزار نبوده و به این میزان نگران امنیت جان و مال خود نبوده‌اند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به توطئه‌ی تشدید خشونت علیه جان و مال پیروان سائزادگان و مذاهب در ایران بدست عوامل و محافل وابسته به حکومت که هدف آن ایجاد نزاع همگان را به مقابله با توطئه‌ای فرامی‌خواند که هدف آن ایجاد نزاع مذهبی میان شیعیان ایران و شهروندان مسیحی و مسلمانان غیر شیعه‌ی کشور است. ما جهاتیان را به حمایت فعال از اقلیت‌های مذهبی ایران در برابر توطئه‌ای که علیه آنان تدارک دیده شده است، دعوت می‌کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۶ تیرماه ۱۳۷۳ ۱۹ ژوئن ۱۹۹۴

ایرانی نیز این درخواست را مطرح کردند، اما حکومت اسلامی علیرغم ادعاهای خود در مورد اینکه این جنایت کار مجاهدین بوده است، هیچ گونه پاسخی به درخواست ما نداده است. نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی و سرکوب آنها، در جمهوری اسلامی سابقه‌ای به قدمت عمر این رژیم دارد. رژیم طی ۱۵ سال حکومت خود گروه‌های زیادی از هموطنان بیروان اقلیت‌های مذهبی را به زندان افکنده، اعدام کرده و یا پنهانی به قتل رسانده است. در تمامی گزارشهایی که گالیندوئل گزارشگر

به ویژه رهبران مذهبی آنان در کشورمان شده است و بزرگترین بستر برخورد‌های خشونت‌آمیز و جنایتکارانه نظیر قتل‌های اخیر توسط نیروهای مرتجع است که در دامن همین رژیم و با این تفکر پرورش یافته‌اند.

سیاست‌های پیش‌گفته رژیم در پاره‌ای اقلیت‌های مذهبی تنها غیر مسلمانان را شامل نمی‌شود. پیروان مذهب تسنن نیز از تعدیات و اجحافات رژیم بی‌بهره نمی‌مانند. با وجود دیدگاه‌ها و سیاست‌های تبعیض‌آلود رژیم، اوج‌گیری اختلافات و تحریک احساسات خصمانه بین شیعیان و اهل تسنن امر محییبی نیست. مسئله‌ای که به علت اعتقاد میلیون‌ها نفر از هموطنان ما به مذهب تسنن، ابعاد خطرناکی یافته است و بیم آن می‌رود که در صورت تداوم، ریشه‌دار گردد و مناطق سنی‌نشین کشور را به کانون‌های بحران‌های دراز مدت قومی تبدیل کند. امری که از نظر دولت‌ها و ملت‌ها مرتجع منطقه نیز در نظرمانده و موجب شده است که آنها نیز با بهره‌گیری از تضادهای قومی موجود، دسیسه‌های گوناگونی را تدارک ببینند.

تداوم سیاست‌های تحمیل‌گرایانه و تفرقه‌اندازانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی در قبال پیروان مذاهب و ادیان دیگر از ماهیت آن ناشی می‌شود. انتظار تا مین‌شایسته‌ی حقوق اقلیت‌های مذهبی از این رژیم غیر واقعی است. این حقوق تنها در چهارچوب حکومتی دموکرات و غیر مذهبی قابل تأمین است. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، آن دسته از هم‌میهنان ما که به ادیان و مذاهب دیگر اعتقاد دارند و نیز اشخاص غیر مذهبی حتا از اساسی‌ترین حق انسانی یعنی حق زندگی به‌طور تضمین شده برخوردار نیستند. در این شرایط بسیج همه امکانات برای مقابله با سیاست‌های ضد انسانی این حکومت در سرکوب اقلیت‌های مذهبی، که اکنون خطر درگیری‌های قومی را نیز پذیرد آورده است، بیش از هر زمان ضروری شده است.

وزارت اطلاعات: دو بمب گذار دستگیر شدند

بدنیال انفجار بمب در مشهد و تلاش رژیم در معرفی سازمان مجاهدین بعنوان عامل این انفجار، رژیم می‌کوشد با صحنه سازی و انتساب اقدامات مشابه به مجاهدین اتهام فوق را در اذهان عمومی تقویت کند. در همین رابطه روابط عمومی وزارت اطلاعات رژیم هفته قبل اعلام کرد که دو نفر را که قصد بمب گذاری در حرم حضرت معصومه و قبر خمینی داشتند را دستگیر کرده اند.

ایران فردا ..

ادامه از صفحه ۱
جانبداری می‌کند. وزارت ارشاد از مدتها قبل فشار خود را علیه این نشریه تشدید کرده و از جمله سهمیه کاغذ آن را کاهش داده بود. روزنامه های وابسته به رژیم، نظیر روزنامه "رسالت" نیز، ایران فردا را مورد حملات تندی قرار دادند.

استعفای مدیر ..

ادامه از صفحه ۱
سوابق شریعت مداری و نحوه عقاید او که در نوشته هایش در ستون ظاهر است دست انداز و دیگر حاشیه نویسی های طنزگونه ای او منعکس است، گمان نمی رود تحولات اصلاح طلبانه ای در شیوه اداره و محتوای نوشته های این روزنامه که بازتاب دهنده نظرات افراطی ترین و قشری ترین محافل دستگاه حاکمه است، پدید آید.

میانجیگری خانم میتران

هفته گذشته جلال طالبانی و مسعود بارزانی به دعوت خانم میتران وارد پاریس شدند. هدف از این دعوت تحکیم آشتی میان دو رهبر کرد اعلام شده است. از یک ماه پیش که آتش بس بین طرفین برقرار شد تا کنون درگیری عمده بین نیروهای آنان رخ نداده است.

نظارت مجلس بر مسافرت کارکنان دولت

اسلامی از مفاد نظارت مجلس توضیحی داده نشده و رعایت آن به وزارت ارشاد واگذار گردیده است. سفرهای سران سه قوه و معاونین آنان، وزرا و فرماندهان نیروهای هوایی، زمینی، ارتش و سپاه و روسای مشترک این نیروها، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فرمانده نیروی انتظامی و مأموریت های محرمانه وزارت اطلاعات مشمول طرح نظارت نمایندگان مجلس نیستند.

دوام فعالیت اتوبوسرانی وابسته به حمایت دولت است

رقم معادل ۱۸ درصد هزینه هاست. کمک دولت به اتوبوسرانی به عنوان سوبسید ۸ درصد است. ۷۴ درصد بقیه هزینه در عهده شهرداریهاست. هزینه ای که سال به سال در دفتر مالی شهرداریها زیر ستون "بدهکار ثبت" انباشته می شود.

استمداد از سازمان ملل ..

اطراف آن اکنون به تصرف نیروهای درآمده اند که مورد پشتیبانی ایران قرار دارند. عمل تصرف با شرکت مستقیم ایران انجام گرفته است. عملیات کمک رسانی سازمان ملل که از سال ۱۹۹۱ جریان داشته اینک در معرض خطر قرار گرفته است. منطقه امن "هر لحظه در خطر سقوط کامل قرار دارد. اکنون روستاییانی که به کمک مانیا دارند و نیز آوارگانی که در این منطقه اسکان داده شده بودند، این منطقه را ترک می کنند و عقب می نشینند. این مردم بی خانمان یک بار دیگر دارند کاشانه ی خود را از دست می دهند. نفوذ از مرزها مردم را نسبت به آینده خود بی اعتماد کرده است. مداخله ی کشورهای همسایه با آتش اختلافات داخلی را تیزتر می کند.

قیمت شیر گران شد

شرکت سهامی شیر ایران شیر شیشه ای کوچک با قیمت ۱۵۰ ریال (لیتری ۶۰۰ ریال) را به بازار عرضه کرد. در کنار فروش این شیشه های یک چهارم لیتری که حاوی شیر ۳ درصد چربی می باشد شیشه های نیم لیتری شیر ۲/۵ درصد چرب به قیمت ۱۵۰ ریال (لیتری ۳۰۰ ریال) نیز در اختیار مشتریان قرار خواهد داشت. علت این نرخ گذاری دو گانه از سوی شرکت نامبرده اهمیت غذایی شیر برای بدن و حذف سوبسید با هدف قطع وابستگی صنعت شیر به خارج اعلام شد ۷ شرکت مذکور همچنین اعلام داشت به منظور پیش گیری از روند توزیع شیر و مواد لبنی ناسالم از این پس به میزان نیاز شیر وارد بازار خواهد کرد. مسئول روابط عمومی صنایع شیر ایران وعده داد در آینده نزدیک فروشگاه هایی برای عرضه مستقیم مواد لبنی به مردم در سطح

وزیر بهداشت: با موافقت مجلس بوده است مجلسیان: مانبوده ایم!

بدنیال افزایش تعدادی از اقلام دارویی تولید داخل تا ۲۴ درصد و وارداتی تا ۱۰۰ درصد د کثر مرندی وزیر بهداشت و درمان گفت: افزایش قیمت داروها با موافقت مجلس بوده است. به گفته وی مجلس دولت مقادیری ارز ۷۰۰ ریالی با سوبسید به دارو و شیر خشک اختصاص دارند ولی به دلیل ناکافی بودن آن، مقداری نیز ارز شناور با نرخ ۱۷۵ تومان برای وزارتخانه در نظر گرفته شد. در این رابطه شورای عالی اقتصاد نرخ برخی از اقلام دارویی را افزایش داد. مرندی اضافه نمود که ما مشکلات ارزی را برای نمایندگان مجلس در یک جلسه غیر علنی توضیح دادیم و نمایندگان نیز اعلام کردند که با توجه به مشکلات موجود با افزایش محدود قیمتها مخالفتی ندارند. گروهی از نمایندگان مجلس شورا گفته اند که موافقت مجلس با افزایش قیمت دارو در یک جلسه غیر علنی صحت ندارد.

سمنار بین المللی مبارزه با مواد مخدر در تهران

اجلاس سه روزه ی سمنار بین المللی پلیس مبارزه با مواد مخدر در خاور نزدیک، میان و آسیای مرکزی در هتل استقلال تهران برگزار شد. در این اجلاس نمایندگان بیش از ۴۰ کشور و ۱۱ سازمان بین المللی شرکت داشتند. در قطعنامه ی پایانی اجلاس که در ۱۹ ماده تنظیم شده است به همکاری و تبادل اطلاعات کشورهای منطقه و لزوم افزایش تجهیزات و امکانات مخابراتی و آموزشی تاکید شده است. در بخشی از قطعنامه آمده است: "اجلاس با توجه به تفاوت های سیاسی میان برخی از کشورهای عضو نتیجه گیری می کند که تبادل اطلاعات و همکاری های بین المللی از اهمیت زیر بنایی بسیاری در توفیق مبارزه با قاچاق مواد مخدر برخوردار است و این همکاری ها باید بدون در نظر گرفتن معارضات بین المللی برای نفع اتباع هر کشور

قتل چهار نفر در دادگاه

محمد علی فریدی و کیل پایه یک دادگستری که در جریان رسیدگی به مسئله اختلاف خانوادگی با همسرش در روز ۱۴ تیرماه در دادگاه شعبه ۱ مدنی خاص تهران واقع در مجتمع قضایی شماره یک در خیابان فرصت حضور یافته بود، پس از شروع جلسه و ردیول شدن چند پرسش و پاسخ ناگهان عصبانی شده و در یک اقدام غیرمنتظره با سلاح کمربند به سید محمد موسوی رئیس دادگاه، همسر و مادر همسر و شاهدان تیراندازی کرد و سپس سلاح را در زیر گلولی خود قرارداد و خودکشی کرد. در این حادثه علاوه بر رئیس دادگاه، همسر و مادر همسر محمد علی فریدی بر اثر جراحت وارده فوت کردند.

مدارس ایرانی خارج از کشور خصوصی می شود

خصوصی سازی دامن مدارس ایرانی در خارج از کشور را هم گرفت. وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد با ممنوع شدن گسترش مراکز دولتی در خارج از کشور بر اساس قانون بودجه سال جاری، از این پس برای تأسیس مدارس خصوصی ایرانی در خارج مجوز صادر می کند. در حال حاضر ۱۱۷ واحد آموزشی با حدود ۱۷ هزار دانش آموز در ۱۰۹ شهر دنیا دایر است که ۷۰ واحد آن در طول برنامه اول تأسیس و راه اندازی شده است. بر اساس مصوبه هیئت ورای شورای عالی آموزش و پرورش، کلیه کارگزاران حکومت اسلامی در خارج از کشور در صورت وجود مدرسه ایرانی در محل اقامت خود، موظف به ثبت نام فرزندان دانش آموز خود در این

مدارس تطبیقی برای ایرانیان مقیم خارج

فرزندان آن گروه از استادان دانشگاهها، محققان و متخصصان ایرانی مقیم خارج که بطور موقت یا دائم به کشور مراجعه می کنند، در صورت میسر نبودن امکان تحصیل در مدارس عادی یا تطبیقی می توانند در مدرسه بین المللی به تحصیل بپردازند. این مطلب را افراسیاب امیری مدیر کل امور بین الملل وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرنگاران روزنامه ها اعلام داشت. وی گفت برای آینده از ایرانیانی که فرزندانشان در مدارس غیر ایرانی در خارج از کشور مشغول تحصیل بوده اند و به کشور بازمی گردند مدارس خاصی با عنوان مدارس تطبیقی راه اندازی شده است که دانش آموزان به مدت یک تا سه سال در این مدارس با سیستم آموزشی ایران تطبیق داده می شوند

خبرهای کوتاه

آتش سوزی در زندان اوین

روزشبه گذشته آتش سوزی بزرگی در زندان اوین روی داد که مدت ۵ ساعت ادامه داشت تا توسط مأموران مهار گردد. رسانه های وابسته به حکومت از این آتش سوزی و علت آن خبری منتشر نکرده اند و هنوز بطور دقیق روشن نیست که علت آن چه بوده است. برخی رسانه های گروهی جهان احتمال می دهند که آتش سوزی ناشی از اتصال در جریان برق بوده است. در اوین گروه زیادی زندانی سیاسی و غیر سیاسی نگهداری می شوند و معلوم نیست این آتش سوزی چه تلفات و خساراتی بدنبال داشته است.

دستور اخراج ۴ دیپلمات رژیم از ونزوئلا

دولت ونزوئلا پنجشنبه هفته گذشته دستور اخراج ۴ دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی در کاراکاس پایتخت ونزوئلا را صادر کرد. این ۴ تن متهم اند که در توطئه ای برای ریودن یک مقام ایرانی شرکت داشتند. خبرگزاری رویتر که این گزارش را مخابره کرده است، روشن نکرده که این دیپلماتها از ونزوئلا اخراج شده اند یا نه. سفیر جمهوری اسلامی در ونزوئلا این اتهام را رد کرده و دخالت دیپلماتهای سفارت جمهوری اسلامی را در آدم ربایی تکذیب نموده است. نام مشخصات فردی که دیپلماتهای جمهوری اسلامی قصد ربودن وی را داشتند انتشار یافته است و روشن نیست که چرا او در چه ارتباطی قرار بوده وی ربوده شود.

خامنه ای علیه بستن کروات و پاپیون فتواداد

خامنه ای طی فتوایی که در روزنامه رسالت ۹ تیر به چاپ رسید بستن کروات و پاپیون را خلاف شرع اعلام کرد. به نظر او بستن کروات و پاپیون از نظر شرعی جزو منهیات است زیرا نشانه تقلید و گسترش فرهنگ تهاجمی غیر اسلامی محسوب می شود.

این در حالی است که خامنه ای قبلاً گاه برای تظاهر به تجدد خواهی به جای چق پیپ می کشیده است و اخیراً با تحریم قمه زنی تلاش نمود و انمود کند که در زمره ی تاریک اندیش ترین روحانیان کشور نمی باشد.

خانم ها از نشستن در جلوتا کسی منع شدند

نیروهای انتظامی تهران به صاحبان تاکسی اخطار کردند که از سوار کردن مسافران زن در جلوتا میل خودداری کنند. دارندگان تاکسی تهدید شده اند که در صورت تخلف نمره ی اتومبیلشان توقیف خواهد شد.

حمله ی روزنامه کیهان به داریوش فروهر

روزنامه ی کیهان چاپ تهران داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران را به علت مصاحبه با رادیوی بی بی سی به باد ناسزا گرفت. کیهان از اظهار نظر فروهر درباره ی وجود اختناق در کشور به روش معمول خود به این گونه انتقاد کرد:

"معلوم نیست چرا هر وقت انگلیس و آمریکا به اقدام زشت علیه ایران دست می زنند بلا فاصله سرو کله ی این آدم های دست چندانم پیدا می شود که دست به حمایت از انگلیس و آمریکا می زنند و زبان به فحاشی می گشایند.

واحدهای صنعتی دولتی مدیران متخصص ندارند

مهندس ریاحی یکی از کارشناسان وزارت صنایع سنگین در سخنرانی خود در سمینار مدیریت مشارکتی که در اسرج برگزار شده بود گفت: تعداد واحدهای صنعتی دولت به ۲۵۰۰ بع می گردد و ارزش آنها در حدود چهار هزار میلیارد تومان است، ولی اکثر آنها زیان می دهند. وی گفت که هر چند ماشین آلات کارخانه ها غالباً فرسوده است ولی از همین دستگاه های موجود نیز به سبب عدم کفایت مدیران و ناآشنایی آنها با موضوع کارشان به نحو مطلوب استفاده نمی شود. او همچنین اعلام کرد که ۹۴ درصد از واحدهای صنعتی فاقد مدیران متخصص مورد نیاز هستند.

تغییر در برنامه های صدا و سیما

علی لاریجانی رئیس راد یوتلوویزیون جمهوری اسلامی تصمیم دارد برنامه های راد یوتلوویزیون را تغییر دهد. وی در جمع مسؤولان صدا و سیما استان ها گفت: تا آنجا که با بازنگری انقلاب مربوط می شود، ایجاد شادی و فضای زنده از مهمترین وظایف در تولید محصولات راد یوتلوویزیون است. وی در بخشی دیگر از سخنانش گفت: در بخش برنامه های موسیقی از راد یوتلوویزیون باید رضایت شنوندگان و بینندگان راد نظر گرفت و موسیقی را به گوش مردم رساند که محتوای آن پیام انسانی و ارزش های معنوی باشد. لاریجانی همچنین اعلام کرد که صدا و سیما باید اسلام صحیح و آرمان های آن که روحیه ی گذشت و فداکاری است را به مردم معرفی کند.

مقررات جدید پس اندازهای ارزی

بانک مرکزی دستور العمل جدیدی به بانک ها و ادارات ابلاغ کرده است که بر مبنای آن از این به بعد سقف مورد نظر جهت افتتاح و مانده سپرده سرمایه گذاری مدت دار از ۱۹ هزار به دوهزار دلار و حساب های قرض الحسنه پس انداز ارزی از دوهزار و پانصد دلار به یکصد دلار تقلیل خواهد یافت. بر اساس این پیشنهاد شرکت های حمل و نقل بین المللی زمینی، هوایی و دریایی صرفاً از نقطه نظر مانده و افتتاح حساب جاری مستثنی می باشند و سایر ضوابط مربوط به حساب های ارزی تغییری نکرده و کماکان مانند گذشته می باشند.

ورزش صبحگاهی در کارخانه ها اجباری می شود

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان تهران در گردهمایی مسئولان ورزشی کارخانه های استان تهران اعلام کرد که بمنظور سلامت روحی و جسمی کارگران کارخانه های تهران و در جهت افزایش سطح تولید، انجام ورزش صبحگاهی در تمامی کارخانه های استان تهران اجباری خواهد شد.

رویدادهای ورزشی

برزیل قهرمان پانزدهمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال شد



برزیل برای چهارمین بار قهرمان جهان شد و رکورد تازه ای به جا گذاشت. فوالتستهای برزیلی پیروزی پرارزش خود را به "آیتون سنا" قهرمان اتومبیلرانی برزیل و جهان که پس درگذشت تقدیم کردند. سنا یک قهرمان محبوب بود که کمکهای بسیاری به مردم کم درآمد کرده بود

تیم ملی فوتبال برزیل دریک بازی دشوار تیم ملی ایتالیا را با ضربات پنالتی شکست داد و به مقام قهرمانی پانزدهمین دوره جام جهانی فوتبال رسید. نتیجه مسابقه دو تیم بعد از ۱۲۰ دقیقه تلاش صفر-صفر شد و برزیل در ضربات پنالتی ۳-۲ به پیروزی رسید. این نخستین بار در تاریخ جام جهانی بود که قهرمان جهان از طریق ضربات پنالتی تعیین شد.

قبل از این تیم ملی برزیل در بازیهای ۱۹۵۸، ۱۹۶۲، ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ مکزیک و تیم ملی ایتالیا در بازیهای ۱۹۳۴، ۱۹۳۸، فرانسه و ۱۹۸۲ اسپانیا جام جهانی را تصاحب کرده بودند. تیم ملی برزیل در تمامی دوره های جام جهانی حضور داشته است و ۷۳ بازی انجام داده است که در مجموع ۵۰ بار باخت و ۱۱ بار مساوی داشته است. برزیل در طی حضور خود در جام جهانی ۱۶۲ گل زده و ۷۰ گل خورده دارد و از این نظر هم در بین تیمهای شرکت کننده در جام جهانی دارای مقام اول است. تیم ملی ایتالیا بعد از آلمان با ۱۳ بار شرکت در جام جهانی ۳۵ بار باخت و ۱۳ بار مساوی و با زدن ۹۹ گل در مقابل ۶۲ گل، در مقام سوم قرار دارد.

در بازیهای امسال، تیم های صاحب نام از خود چهره مطلوبی ارائه ندادند. تیم آلمان قهرمان دوره قبل جام جهانی که با ارائه بازیهای ضعیف و کمک شانس در جدول و برخورداری از اشتباه تیمهای فینالیست هم در اندازه های مطلوب خود ظاهر نشدند. تیم ملی ایتالیا دیگر نه دارای آن دفاع بتونی معروف بود و نه از نعمت گلزنی برخوردار. دینو ویرتو با جیون جیان این تیم در دوره از بازیها بودند. در مقابل تیمهای نیجریه و عربستان سعودی که برای اولین بار در جام جهانی حضور یافتند، خوش درخشیدند. عربستان سعودی در کنار تیم تهاجمی کره جنوبی با ورود به مرحله یک هشتم لیاقت خود را برای نمایندگی فوتبال آسیا نشان داد و شانس افزایش سهمیه حضور تیمهای آسیایی را در جام جهانی بالا برد.

تیمهای ملی بلغارستان و رومانی که به ترتیب برای هشتمین و ششمین بار در این جام حضور داشتند،

چارلتون به پرداخت ۲۰ هزار دلار محکوم شده بود. ایرلندی ها باقی مانده این پول را برای بازماندگان اسکواریا بایزن مقتول تیم ملی کلمبیا فرستادند.

بعضی از داوران که از سوت و کارتهای زرد و قرمز خود به درستی استفاده نکرده بودند، از طرف فیفا از ادامه قضاوت محروم شدند. آنجمله کورت روت لیزبرگ سوئیس، داور مسابقه آلمان و بلژیک، آرتور بریزو کارتر مکزیک، داور ایتالیا نیجریه و جمال الشریف سوری داور مسابقه بلغارستان مکزیک بودند.

نتایج بازیهای انجام شده در فاصله انتشار شماره گذشته نشریه کار

هلند	۲	ایرلند صفر
برزیل	۱	آمریکا صفر
ایتالیا	۲	نیجریه ۱
بلغارستان	۴	مکزیک ۲
ایتالیا	۲	اسپانیا ۱
برزیل	۳	هلند ۲
بلغارستان	۲	آلمان ۱
سوئد	۷	رومانی ۶
ایتالیا	۲	بلغارستان ۱
برزیل	۱	سوئد صفر
سوئد	۴	بلغارستان صفر
برزیل	۳	ایتالیا ۲

محمد فتاحی داور ایرانی یکی از خط نگه داران مسابقه فینال بود. این نخستین بار بود که یک داور ایرانی در قضاوت مسابقه ای با این اهمیت شرکت کرد.



ایرلندی ها برای پرداخت جریمه نقدی یکی چارلتون مربی تیم ملی ایرلند که از طرف فیفا به آن محکوم شده بود، اقدام به جمع آوری کمک مالی کردند و ۱۰۰ هزار دلار بدست آوردند. یکی

روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت در کشور مصرف می شود

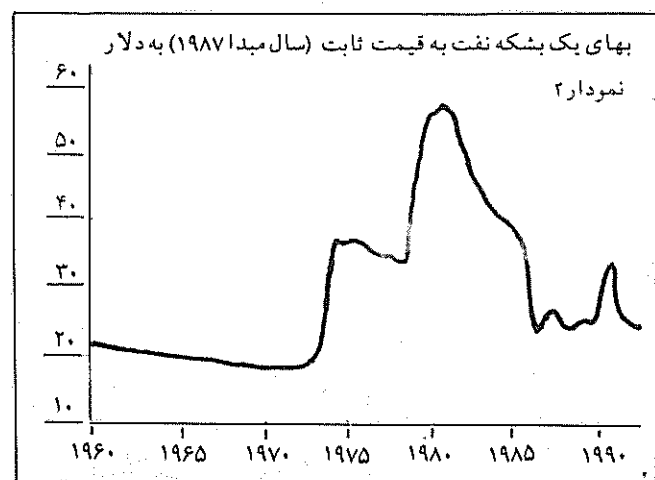
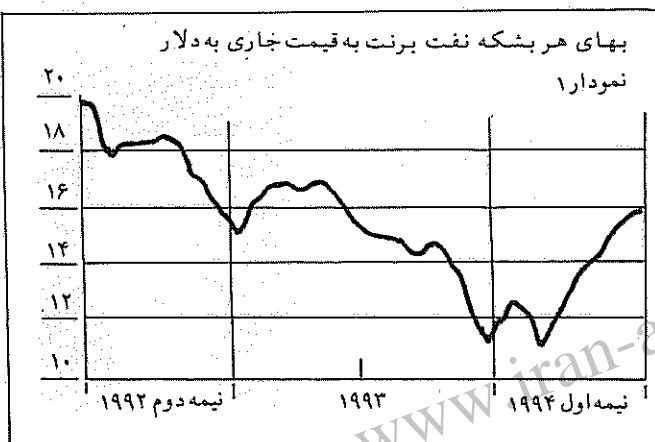
با ادامه مصرف کنونی نفت، ایران تنها ۱۵ سال دیگر درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خواهد داشت. میزان فروش نفت در کشور از ۲۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۴۹ به ۱/۵ میلیون بشکه (بدون احتساب گاز مصرفی) در سال ۱۷۲ افزایش یافته است. محمد جعفری معاون امور زیربنایی سازمان برنامه و بودجه با اعلام آمار فوق، افزود: هزینه سالانه مصرف انرژی در کشور ۱۲ میلیارد دلار می باشد. این مسئول سازمان برنامه و بودجه گفت: با ادامه مصرف کنونی نفت تنها ۱۵ سال دیگر درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خواهیم داشت. معاون سازمان برنامه و بودجه

بررسی برنامه ۵ ساله دوم آغاز شد

بررسی لایحه برنامه پنج ساله دوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، پس از ۱۸ ماه تأخیر هفته گذشته در مجلس شورای اسلامی آغاز شد. در نخستین جلسه مجلس که به این امر اختصاص داشت روغنی زنجانی گزارشی از رئوس اساسی و خط مشی عمومی برنامه دوم را در اختیار نمایندگان قرار داد و قرار است بررسی کلیات و جزئیات آن در کمیسیون تلفیق که ترکیبی از نمایندگان کمیسیونهای مختلف مجلس برای بررسی برنامه دوم می باشد، آغاز شود. ریاست کمیسیون تلفیق نخست به عهده حسن روحانی نائب رئیس مجلس بود، اما بعلمت مشغله زیاد وی، حبیب اله عسگر اولادی به این سمت انتخاب شد. معاون عسگر اولادی در این کمیسیون مهندس باهنر است. وجود این دو نفر در راس این کمیسیون نشانه آنست که گروه بازار-روحانیت اختیار کامل تعیین جهات برنامه دوم را در دست دارد. طبق قانون برنامه پنج ساله اول، پیش نویس لایحه برنامه دوم می بایست حداکثر تا نیمه سال ۷۱ برای بررسی در کمیسیونهای برنامه ریزی به مجلس داده می شد. ناکامی برنامه اول و تشدید بحران اقتصادی و به طبع آن بروز اختلافات درونی حکومت زمان ارائه برنامه راتادی ماه سال ۷۲ به تعویق انداخت. در دیماه، هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور همزمان با لایحه بودجه سال ۷۳، لایحه برنامه دوم را در اختیار مجلس گذاشت. مجلس با این بهانه که لایحه برنامه دوم با تأخیر ارائه شده و بررسی و تصویب لایحه بودجه دولت بر لایحه برنامه پنج ساله دوم، اولویت دارد، عملاً بررسی لایحه برنامه دوم را کنار گذاشت و تصویب کرد برنامه دوم به جای فروردین سال ۷۳ از اول سال ۷۴ به اجرا گذاشته شود. اکنون از زمان تدوین لایحه

مرز افزایش قیمت نفت

۲۸۰ روز است. ثانیاً منابع شناخته شده نفت قبلاً ۶۰۰۰ میلیارد بشکه است که در ۱۰۰۰ میلیارد بشکه است. کشورهای بسیاری پراکنده است. ثالثاً و از همه مهمتر اوپک در آن دهه حدود دو سوم بازار نفت را در اختیار داشت. اکنون این بازار به زیر ۴۰ درصد تنزل کرده و این سیر تنزل با ورود کشورهای شوروی سابق به بازار هنوز دوام دارد. گرچه نفت همچنان یک کالای استراتژیک است و گرچه نقش سیاست همچنان در کجانی، اکتشاف، میزان تولید، دسترسی به بازار و قیمت آن موثرتر از هر کالای دیگری است، اما با این حال این تأثیر تا حدی نیست که مکانیسم بازار را کلاً - و آن هم برای درازمدت - در هم بشکند. حتی اگر ایران و عربستان سیاست یکسان داشتند و آن را با دیگر اعضای اوپک هماهنگ میکردند، باز هم این کار برای وارد ساختن شوک سوم "افاقه نمی کرد و یا اگر می کرد فقط در کوتاه مدت موثر بود. آنهم نه به قدر شوک های ۷۳ و ۷۹.



عضویت ایران در گات تحت بررسی است

کشورها را محدود می نماید. مهندس جلالی درباره حمایت از تولید داخلی در مورد کالا هایی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد می گوید: اگر کشوری بخواهد واردات یک کالا یی را پس از عضویت در این پیمان محدود کرده (بخاطر امکان تولید آن در داخل) و تعرفه بالای وضع نماید، این کار بدون تصویب مجمع عمومی گات امکان پذیر نیست. بنا بر این یک محدودیت هایی را برای توسعه اقتصادی و تجاری کشورهای جهان سوم ایجاد می کند. اما دکتر کهزادی مدیر عامل بانک توسعه صادرات ایران نظری غیر از این دارد و معتقد است عضویت در گات موجب تحرک صنایع داخلی و افزایش کارایی تولید کنندگان داخلی خواهد شد. وی می گوید: با توجه به محدودیت منابع نفت و جهت حضور

قیمت نفت خام برنت، که معمولاً شاخص قیمت انواع مختلف نفت در اقصی نقاط جهان است، اخیراً به حدود ۱۸ دلار در بشکه رسیده است. ترقی قیمت نفت که از فوریه امسال شروع شد تا امروز به حدود ۶ دلار در هر بشکه و یا به حدود ۷۵٪ افزایش بالغ شده است. چنانکه نمودار شماره ۱ نشان می دهد، اکنون دوباره قیمت نفت در اطراف قیمت های آن در نیمه اول سال ۹۳ دور می زند.

سه سال پیش در چنین روز هایی در کفرانس جهانی نفت و گاز در دهه ۹۰ چشم انداز همکاری ها، در اصفهان بسیاری از اصحاب نظران هدف ۲۱ دلار را واقعی می دانستند و روی تئیت آن تأکید داشتند. متوسط قیمت نفت در آن ایام به این رقم نزدیک بود. اما مقامات مسئول کشور چه آن زمان و چه بعد از آن چنین وانمود می کردند که قیمت نفت می تواند و باید بسیار افزایش یابد و افزایش نیز خواهد یافت. آنها حتی دخل و خرج کشور را بر این پایه بنا نهادند که قیمت نفت و درآمد ایران از آن بالا خواهد رفت.

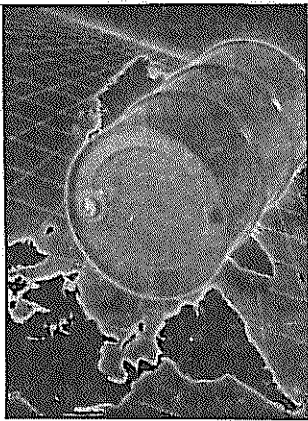
به لحاظ اقتصادی در وضعیت فعلی هزینه ها به گونه ایست که اگر قیمت نفت به کمتر از ۱۵ دلار برسد تولید آن عملاً در بسیاری از مناطق از جمله در دریای شمال و ایالات متحده رو به کاهش می رود و در مناطق دیگر سرمایه گذاری به منظور توسعه تولید متوقف و کمبود عرضه و فشار تقاضا قیمت ها را جهش وار می تواند افزایش دهد و بدین ترتیب متوسط قیمت میان مدت پایه نفت نمی تواند به زیر ۱۵ دلار برسد.

سقف بالای قیمت نفت را عوامل متعدد تعیین می کند، اما در وضع فعلی و آتی حدوداً و در دراز مدت اساساً این سقف تابع مکانیسم بازار است و به زبان دیگر، این ادعای مقامات حکومتی که می گویند "پائین نگاه داشتن قیمت نفت توطئه استکباری است" و یا این تصور بعضی ها که می گویند اگر رژیم سابق بود می توانست قیمت نفت اوپک را بالا بکشد چنانکه در دهه ۷۰ کشید، ادعا و تصویری است که بویژه بر اثر تحولات ۲۰ ساله اخیر دیگر نمی تواند و نباید جدی گرفته شود. اوضاع بعد از تکان های نفتی ۷۳، تفاوت های عمده کرده است. در آن سال ها اولاً ذخیره نفتی استراتژیک عمده ترین مصرف کنندگان نفت به بیش از ۴۰ روز نمی رسید در حالیکه حجم این ذخیره اکنون بین ۱۴۰ تا

از سوی دولت هیأتی مسئول بررسی نحوه عضویت ایران در پیمان تعرفه و تجارت بین المللی مرسوم به "گات" شده تا با ارزیابی محاسن و معایب آن، تا پایان سال جاری در این مورد تصمیم گیری شود.

این خبر را مهندس جلالی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس در اختیار روزنامه ها قرار داد. وی گفت: این هیأت اخیراً با دبیر کل سازمان جهانی گات ملاقات نموده و شرایط این پیمان و مسائل ایران را مورد گفتگو قرار داده است.

به موازات این اقدام، اظهار نظر درباره عضویت یا عدم عضویت جمهوری اسلامی در گات و پیامدهای آن شروع شده است. مهندس جلالی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس از جمله در این باره می گوید: در کشورهای اروپا، آمریکا، ژاپن و استرالیا سالانه ۳۰۰ میلیارد دلار رسوبید به محصولات کشاورزی که در حال حاضر به جهان صادر می شود، تعلق می گیرد.



مهمترین منابع درآمد دولت هاست. از قیمت فروش نهائی آن که توسط مردم پرداخت می شود، حدود یک سوم آن به خزانه دولت های کشورهای تولید کننده نفت و دو سوم بقیه از طریق مالیات به خزانه دولت های کشورهای مصرف کننده واریز می شود. اما این ویژگی بدان شکل نیست که توافق میان این دولت ها برای بالا کشیدن قیمت و یا پائین بردن آن توجیه با امکان پذیر سازد.

هنوز تصور عمومی بر آنست که قیمت نفت قبل از دهه ۷۰ بسیار پائین بوده است و در سال های پس از آن همیشه بالاتر از قیمت های قبل از ۷۰ بوده است. این تصور صحیح نیست. چرا که مبتنی بر قیمت های اسمی است و کاهش قیمت دلار رونیز تأثیر تورم را در مد نظر ندارد. محاسبه قیمت نفت بر اساس دلار واقعی نشان می دهد که قیمت نفت فقط بین سالهای ۷۰ تا ۸۰ واقعا بالا بوده است و متوسط قیمت آن طی ده ساله اخیر از قیمت آن در سالهای قبل از ۷۳ خیلی بالاتر نبوده است. نمودار ۲ بخوبی نشان می دهد که چگونه در درازمدت قیمت نفت بر اساس دلار واقعی وضعی نسبتاً با ثبات دارد. قیمتی که دیگر کمترین تصمیقات سیاسی است. بر اساس ملاحظه وضعی که متوسط قیمت نفت در درازمدت داشته است و با ملاحظه تفاوت دلار به قیمت ثابت (با واقعی) و دلار به قیمت جاری می توان با اطمینانی قابل اتکا حساب کرد که قیمت پایه هر بشکه نفت بطور متوسط و در میان مدت از حدود ۲۰ دلار - یادمانه ی نوسانی معادل چند دلار - دورتر نخواهد رفت. این نوسان دلالیل بسیار دارد اما توافقی یا عدم سازش در اوپک و اطرافیان، رکود و رونق در اقتصاد غرب و سیاستهای مالی و پولی دولت ها در قبال آن و نیز نگاه بحران های حاد سیاسی و تشنج بین کشورهای وضعف و قوت دلار از عمده ترین دلایل این نوسانات است.

در بازارهای جهانی و استفاده از مزیت های حضور در این بازارها، باید عضویت در گات مورد توجه قرار گیرد.

درباره موانع عضویت جمهوری اسلامی در گات مدیر عامل بانک توسعه صادرات می گوید: با توجه به اصل ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی که صنایع ما را در اختیار دولت می داند، پیوستن به گات مشکلاتی را ایجاد خواهد نمود. چون در صورت الحاق به گات شرکتهای بزرگ خارجی می توانند در صنایع کشورهای عضو سرمایه گذاری کنند. عدم توان صنایع داخلی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی از دیگر مشکلات حضور ایران در گات می باشد. همچنین مشکلاتی از قبیل اعمال استانداردهای ملی و بهداشتی، اتخاذ سهمیه، جواز صادرات و واردات که کشورهای صنعتی در عمل ایجاد خواهند نمود، از موانع مهم جهت الحاق به گات بشمار می رود.

بودجه تحقیقاتی چند شرکت عمده جهان

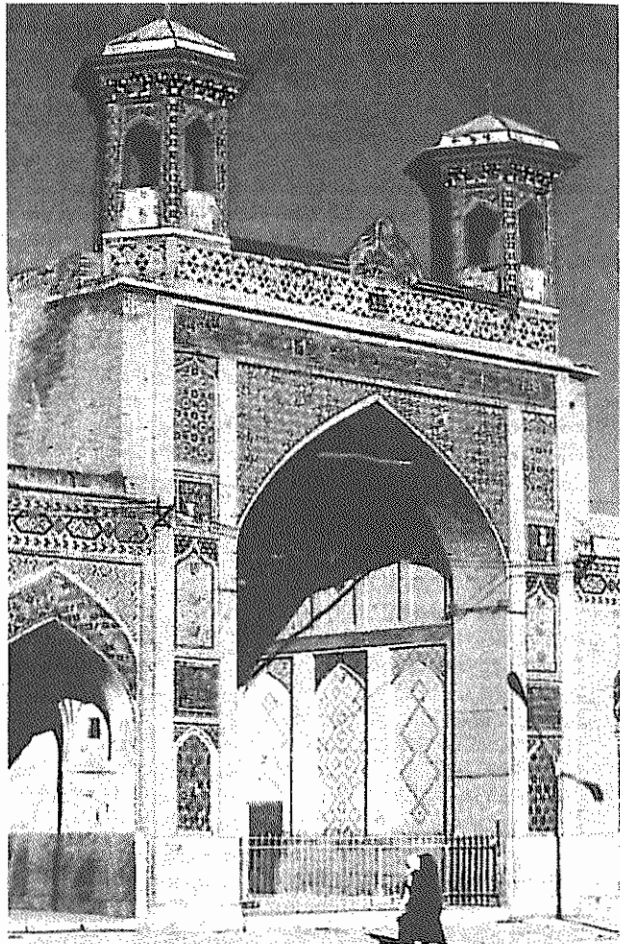
شرکت آلمانی "دایملر بنز" سالانه ۸/۷۲ میلیارد مارک که معادل ۲۵/۹ درصد از درآمد سالانه آن شرکت است، صرف تحقیقات می کند و شرکت جنرال موتور آمریکا با صرف سالانه ۱۰/۱ میلیارد مارک بیشترین بودجه را در قیاس با دیگر شرکتهای بزرگ دنیا در امور تحقیقاتی هزینه می کند. شرکت آمریکائی فورد ۷/۴۱ میلیارد مارک (معادل ۸/۴۱ درصد درآمد سالانه) می باشد.

چلب توریست با کدام شرایط و امکانات؟

توریست‌ها به آنها به سبب کشمکش‌ها، درگیری‌های مسلحانه و بمب‌گذاری‌ها کاهش یافته نشان می‌دهد که فقدان امنیت و نبود ثبات اجتماعی، سیاسی تا چه حد مانع چلب توریست است. در ایران نیز رژیم بردباری از نارضایتی‌ها سوار است و در گوشه و کنار کشور هر روز درگیری‌ها، فجایع و بمب‌گذاری‌ها صورت می‌گیرد که تلاش رژیم برای با ثبات نشان دادن اوضاع را خنثی می‌کند. علاوه بر آن وفاداری رژیم به تروریسم، تاکید مکرر بر فتوای قتل‌رشدی و ترور مخالفان در خارج از کشور تبلیغات چلب توریستی رژیم را کم رنگ و بی‌اثر می‌کند.

نسبت به گسترش هتل‌ها، مهمانسراها و امکانات اطمینان‌بخش خدماتی برای توریست‌ها طرف پانزده سال گذشته نه تنها هیچ توجهی نشده، بلکه بسیاری از امکانات پیشین نیز در اختیار نهاد های ریز و درشت رژیم قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که اینک کشور از حداقل امکانات اسکان مطلوب توریست نیز عاجز است. یک روزنامه نگار غربی که عید اسال به عنوان توریست به رامسر رفته بود، هتل توریستی این شهر که روزی یکی از هتل‌های مجهز و پیشرفته کشور به شمار می‌رفت را، چنان درب و داغان تصویر کرده بود که انسان را به یاد هتل‌های درجه سه خیابان ناصر خسرو می‌انداخت.

رژیم اخیراً می‌کوشد با چلب سرمایه داران خارجی و بویژه شیوخ کشورهای حاشیه خلیج فارس تا سیسات و هتل‌های جهانگردی کشور را گسترش دهد. اما اگر این طرح‌ها با موفقیت هم همراه باشند و به مرمت و تعمیر هتل‌ها و امکانات موجود نیز توجه لازم مبذول شود، باز هم در شرایط فقدان زمینه‌هایی که فوق‌بها آنها اشاره رفت، سیاست چلب توریست رژیم تا کماک خواهد ماند و ارزش خارجی چندانی نیز عاید آن نخواهد شد.



این کشورها نه مجبور به رعایت قید و بندهایی همچون حجاب است، نه از شنا و استفاده از امکانات ساحل دریاها محروم است و نه نوشیدن آزادانه یک جرعه شراب و یا شنیدن موسیقی غربی برایش به صورت رویا درمی‌آید. جمهوری اسلامی اما این امکانات و آزادی‌ها را که برای شهروند غربی امری عادی و خدشه ناپذیر است از وی می‌ستاند و همان قیودی را که به مردم ایران تحمیل کرده به او نیز تحمیل می‌کند. عجیب‌تر اینکه جمهوری اسلامی به ادا از مقبره خمینی و ادا ای احترام به او را نیز در برنامه برخی از گروه‌های توریستی گنجانده است.

توریست غربی به جایی می‌رود که آرامش و ثبات نسبی در آن برقرار باشد و ناامنی و حوادث غیر مترقبه نمایه تشویش خاطر و یا احتمالاً خسارت جانی و مالی برایش نشود. تجربه ترکیه و مصر که سفر

مشکلات ارزی و تنگنای اقتصادی، جمهوری اسلامی را پس از ۱۵ سال متوجه مزایا و ارزش‌های رزیم جهانی‌نگردی نموده است. رژیم غربی را حامل ارزش‌ها و رفتارهای "منحط" و "غیر اسلامی" می‌دانست و لذا به ورود آنها به کشور چندان تمایلی نداشت. بر این اساس سیاست عمده رژیم عمدتاً متوجه چلب توریست از کشورهای اسلامی همچون بنگلادش، پاکستان و ... بود. لیکن فشارهای اقتصادی و تلاش برای دستیابی به ارزهای خارجی سرانجام جمهوری اسلامی را به صرافت چلب توریست‌های غربی انداخت، به گونه‌ای که هم اینک همه مطبوعات رژیم یکصدا، سیاست تبلیغاتی واحدی (البته غیر منسجم و کم بازده) را در معرفی نقاط دیدنی و جاذبه‌های فرهنگی کشور دنبال می‌کنند. دولت نیز در این راستا اوایل ماه میلادی جاری "آئین‌نامه چلب توریسم و توسعه ایرانگردی" را مورد تصویب قرارداد که در آن بهره‌ای امتیازات محدود برای توریست‌ها در نظر گرفته شده است.

مجموعه این تبلیغات و تدابیر اما کمک چندانی به چلب توریست و تامین ارز مورد نیاز رژیم نخواهد کرد، زیرا باز کردن پای جهانگردان غربی به ایران شرایط و ملزوماتی می‌طلبد که کشور ما در حال حاضر فاقد آن‌ها است. از جمله این شرایط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - برای جهانگردان غربی آزادی فردی و عدم محدودیت در رعایت موازین هنجارهای شخصی و فرهنگی خویش یک اصل است. اگر چنین جهانگردی برای گذران تعطیلات خویش با علاقه به کشورهای مصر و ... (کشورهایی که دین اسلام در آنها رایج است) می‌رود از آن روست که به رغم رواج اسلام در

کاری نکرده ایم
جز اینکه آزاد کنیم
نیمه‌ی گمشده خویش را
از برج تنهایی

کاری نکرده ایم
جز اینکه قرار دهیم
کاشی گمشده‌ای را در برابر قرینه‌اش
زیر این گنبد کبود

نسیمی بوده ایم
که خاکستر و پرده را کنار زده ایم
تا روشن تو روگرم تری تا بد
ماه و آتش

عمران صلاحی



پس از

"هامون" و "سارا"

اینک "پری"

"سارا" و فیلم دیگری این کارگردان به نمایش درآمدند. پری برداشت آزادی است از نمایشنامه خانه عروسکها اثر هنریک ایبسن که در آن رویا رویی یک زن با دشواریها تصویر شده است. مهرجویی درباره فیلم جدید خود (پری) در مصاحبه‌ای با ماهنامه فیلم چنین می‌گوید: "یک نوع سرگذشت، همان سرگذشتی و بحرانی عاطفی - عقلی است. در هر سه فیلم بانو (هامون)، سارا و پری موقیعت یک زن مطرح است، تکرارش مثل یک تم است که شما باید به آن نگاه کنید."

داریوش مهرجویی کارگردان نامی سینمای ایران هم اینک دست‌اندر کار ساختن فیلم جدیدی است به نام "پری" که همان حال و هوای دو فیلم قبلی او "هامون" و "سارا" را دارد و جنبه‌هایی از زندگی زنان ما را به تصویر می‌کشد. "سارا" را مهرجویی دو سال پیش ساخته است و تا کنون در چندین جشنواره بین‌المللی به نمایش درآمد و مورد ستایش قرار گرفته است.

در جشنواره بین‌المللی لاوشل فرانسه که اوایل ماه میلادی جاری برگزار شد، بخشی به بررسی آثار مهرجویی اختصاص داشت که در آن

سینمای ایران پیش از پیش اسلامی می‌شود

در شرایطی که هنرمندان واقعی کشور امکان عرضه هنر خود را ندارند و رژیم با سانسور و سدهای متفاوت در برابر کار آنها مانع ایجاد می‌کند، هادی غفاری چماق به دست معروف جمهوری اسلامی و بنیاد الهادی اش وارد فعالیت فیلمسازی شده و قرار است فیلم پرهزینه‌ای به نام "انجیل به روایت بارنابا" برای "مستضعفان" تولید کند. وی در مصاحبه‌ای با مجله گزارش فیلم خود را یکی از "نقادان" خبره سینما جزا زده و با این استدلال که سینمای یکی از ابزار تکمیل‌کننده تفنگ و آرمان است، استفاده از آن را برای پیشبرد امر "اسلام" مناسب و مطلوب خوانده است. غفاری می‌گوید: "در فیلم حرف اصلی من القا کننده است، یا ایجاد اندیشه و آرمان. ما برای حاکم کردن اندیشه و آرمان به ابزاری نیاز داریم. یک ابزارش باتوم است، یک ابزارش تفنگ است و یک ابزارش سینما. ... تصور اینکه سینمایی که هم‌تراز تفنگ و باتوم تلقی می‌شود، چگونه آورده بی ارتباط نباشند."

سینمایی خواهد بود، چندان کار دشواری نیست. یک فیلم سینمایی از عملیات چماق کشانه غفاری و حزب الهی‌های هم ردیف او نمونه بارزی از این سینما ارائه خواهد کرد. غفاری اعلام کرده که مجموعاً قصد ساختن ۲۰، ۳۰ فیلم را دارد. بدینسان در کنار بنیاد فارابی که از سوی رژیم مقررات سینمای کشور را اندر کاران آن امر و نهی می‌کند، اینک هادی غفاری و بنیاد الهادی نیز پا به این عرصه نهاده‌اند تا به فیلمنامه نویسان، کارگردانان و بازیگران سینمای ما درسهای بیشتری از "سینمای اسلامی" بدهند. سخن چندی پیش معاون وزارت ارشاد مبنی بر اینکه از این پس تنها فیلم‌هایی به جشنواره‌های بین‌المللی ارسال خواهند شد که با مبانی و آموزه‌های اسلامی هم‌مساز باشند نیز شاید با فعالیت‌های سینمایی هادی غفاری و امیدهایی که او در ایجاد یک "سینمای اسلامی" بوجود آورده بی‌ارتباط نباشند.

نامه سرگشاده سلمان رشدی به تسلیمه نسرين

شما هیچ کار خطایی انجام نداده‌اید

نام سرگشاده رشدی در پشتیبانی از نسرين روز ۱۳ جولای (۲۲ تیر) در ۴۰ روزنامه معروف جهان به چاپ رسید و قرار است که بسیاری از نویسندگان سرشناس جهان اقدام او را بی‌گیرند. در بخشی از نامه رشدی چنین آمده است: شما (نسرين) از سرکوب و فشار در حق زنان در اسلام سخن گفته‌اید و این همان چیزی است که باید گفته می‌شد. اینجا در غرب تعداد زیادی از محافل صاحب نفوذ اسلام می‌کوشند با ورائی و پرهانیانی به جهان بقبولانند که در کشورهای اسلامی زنان مورد تبعیض واقع نمی‌شوند. به گفته آنها خنثه کردن زنان هیچ ربط و پیوندی به اسلام ندارد. گیرم که در تئوری چنین باشد، اما در آن دسته از کشورهای اسلامی که امروز چنین کاری رایج است، ملاها ساخت از آن حمایت می‌کنند. علاوه بر آن در کشورهای که بنیادگرایان اسلامی به قدرت رسیده و یا به آن نزدیک شده‌اند، خشونت خانوادگی در حق زنان، نابرابری در سیستم قضایی به گونه‌ای که شهادت یک زن کم ارزش‌تر از شهادت یک مرد است،

محروم کردن زنان از امکانات شغلی و ... واقعیاتی رایج و مشهود هستند. شما را بخاطر اینکه از ضرورت و ارس و اصلاح قرآن سخن گفته‌اید به دادگاه فراخوانده‌اند (گرچه به گفته شما، سخن از تجدید نظر در احکام شرع بوده و نه در قرآن) شاید شما هم شنیده باشید که هفته گذشته مقامات ترکیه نیز از واری و اصلاح احکام شرع خواسته‌اند، پس در طرح چنین خواسته‌ای شما یک و تنها نیستید. ... شما حتی اگر از لزوم تجدید نظر در قرآن برای رفع ابهامات آن در مورد حقوق زنان هم سخن گفته باشید و حتی اگر همه مردان مسلمان جهان هم مخالف این خواست شما باشند، باز هم کسی نمی‌تواند شما را از چنین نظری منع و محروم کند. جامعه‌ای که بخواد شما را بخاطر چنین نظری به زندان بیاندازد و یا به دار بیاویزد، نمی‌تواند خود را جامعه‌ای آزاد بنامد. بنیادگرایان پیوسته ادعا می‌کنند که به دنبال صراحت و روشنی‌اند، لیکن در عمل آنها از هر حیث مردان جهل و تیرگی‌اند. روشنی‌وسادگی (یک موقعیت) زمانی است که کسی

با حکم چلب خانم تسلیمه نسرين نویسنده بنگلادشی به دادگاه عزم جزم حزب الهی‌های این کشور برای کشتن وی، اینک دیگر سلمان رشدی تنها فردی نیست که جهل و تعصب قشریون جانش را تهدید می‌کند. "جرم" تسلیمه نسرين هم چیزی نیست جز انتقاد از سخت‌گیری‌ها و تعصبات مذهبی و تا کید نهادن بر لزوم تجدید نظر در برخی از احکام عقب مانده و زن‌ستیز شرع. صد البته چنین حرف‌ها و خواسته‌هایی در نظر قشریون و واپسگرایان مذهبی عین کفر و الحاد است و جزایش نیز لا جرم جز مرگ نیست. از همین روست که آنها قصد جان تسلیمه را کرده و برای سرش جایزه تعیین نموده‌اند. تسلیمه، اینک مدتی است که برای مصون داشتن جان خویش از تهدید حزب الهی‌ها به سفارت آمریکا پناه برده و در آنجا به سر می‌برد.



شما هیچ کار خطایی انجام نداده‌اید. این ناحقی انجام نداده‌اید. این دیگرانند که در حق شما خطا تعدی مرتکب شده‌اند، و من یقین دارم که شما بزودی آزادی خود را باز خواهید یافت.

جنگ داخلی و بنیادگرایی اسلامی در ترکیه

ماشاالله رزمی

مدل ترکیه برای ملل ترک زبان از دریای آدریاتیک تا دیوار چین با شکست مواجه شده و شعار از مغولستان تا مجارستان به زیر یک پرچم دیگر توهمی پیش نیست. آنچه که امروز مطرح و واقعی می‌باشد، آینده خود ترکیه است که در ابهام فرورفته، جنگ داخلی در شرق کشور، بحران اقتصادی کمرشکن و پیروزی بنیادگرایان اسلامی در انتخابات شهردارها جمهوری لائیک آتاتورک را در معرض انشقاق و انفجار قرار داده است. از یکسال پیش به نظر میرسد که دیو کهنسال ناسیونالیسم به ترکیه برگشته و در تدارک یک ماجراجویی خطرناک نظامی است که اگر صورت بگیرد، صلح و ثبات منطقه را برهم خواهد زد. اقداماتی که رئیس جمهور قبلی برای دموکراتیزاسیون جامعه و به رسمیت شناختن حقوق کردها شروع کرده بود با مرگ وی نیمه کاره ماند و در عوض پارلمان ترکیه در دوازدهم مارس اسامی مصونیت پارلمانی نمایندگان حزب دموکراتیک را لغو کرد و بلافاصله این نمایندگان با اتهام حمایت از تجزیه طلبان کرد دستگیر و روانه زندان شدند. در مناطق شرقی ترکیه وضعیت فوق العاده نظامی برقرار شده، رسانه‌های گروهی در سراسر کشور تحت کنترل درآمدند و صدای مخالفین سیاسی به اشکال مختلف خفه می‌شود.

آنکارا در تدارک حمله نهایی به کردستان ترکیه است، این تهاجم ممکن است با تشکیل یک دولت جدید از ائتلاف حزب خانم چیلدر با حزب مام وطن صورت بگیرد و یا با یک کودتای نظامی همراه باشد که دست ارتش را برای نابودی کردها باز می‌گذارد، سنت دخالت ارتش در مسائل سیاسی ترکیه ریشه‌های تاریخی دارد و این کشور با گذشته نظامی-ملی خویش دخالت نظامیان در مسائل سیاسی و کودتا را در قانون اساسی خود برسمیت شناخته است.

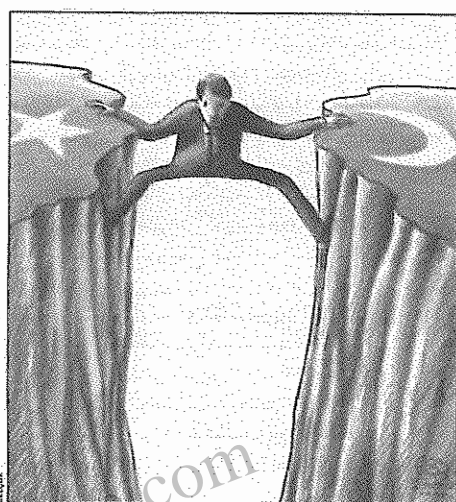
از طرف دیگر حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا) در ماه‌های اخیر به طوری سابقه‌ای تقویت شده است. این حزب که نوزده سال است با دولت آنکارا درگیر جنگ است. اکنون موفق شده است پایگاه‌های خود را تقریباً در تمام کشورهای همسایه ترکیه مستقر سازد و وارد یک جنگ تمام عیار با ارتش ترکیه گردد. فرماندهان نظامی ترکیه می‌گویند که در عملیات پاکسازی اخیر حدود هزار نفر از افراد پ. کا. کا را کشته اند که از جمله آنها مسلم دوسون (معروف به دکتر باران) فرمانده شورشیان کرد در منطقه تونجه‌لی و یکی از نزدیکان عبدالله اوجالان رهبر پ. کا. کا می‌باشد. در عوض به گفته جمعیل باتیک

مدل ترکیه برای ملل ترک زبان، از دریای آدریاتیک تا دیوار چین، با شکست مواجه شده و شعار از مغولستان تا مجارستان به زیر یک پرچم، دیگر توهمی پیش نیست. آنچه که امروز مطرح و واقعی می‌باشد، آینده خود ترکیه است.

فرمانده شاخه نظامی پ. کا. کا در عملیات یاد شده ارتش بیش از شصت نفر تلفات داشته است. در حال حاضر به آمار طرفین مخالف در جنگ با یک احتیاط نگاه کرد اما ق-صصت یکی از برجسته ترین کارشناسان مساله کردها می‌گوید که در حال حاضر پ. کا. کا سی هزار زندانی در مسلح در اختیار دارد. کردهای ترکیه در طول تاریخ هرگز چنین متشکل، مسلح و مصمم نبوده اند. اخیراً کانال دوم تلویزیون فرانسه فیلمی از مرزهای غربی ایران تحت عنوان "شعله" نمایش داد که وضعیت کردهای ترکیه، کردهای ایران، عراق و مجاهدین خلق را با امکانات نظامی شان نشان می‌داد. در این فیلم مستند نشان داده می‌شد که پ. کا. کا نه تنها از وجود جوانان کرد ترکیه جداگانه استفاده را می‌کند بلکه در عین حال داوطلبان خارجی دختر و پسر نیز همراه با کردهای ترکیه علیه دولت آنکارا در صفوف پ. کا. کا می‌جنگند. آنچه که این داوطلبان خارجی را به پ. کا. کا پیوند می‌دهد ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم است که ایدئولوژی مورد قبول حزب کارگران کردستان، تا بحال پایگاه آموزش پ. کا. کا در دره بقاء لبنان قرار داشته و سازماندهی سیاسی-نظامی آن نیز شباهت زیادی به سازماندهی گروه‌های چپ فلسطینی دارد. ظاهراً کمونیسم دهقانی با فرهنگ نظامی-قبیله‌ای کردها سازگاری نشان داد. و پ. کا. کا از پایگاه مردمی قابل توجهی برخوردار است.

جنگ داخلی برای آنکارا خیلی گران تمام می‌شود. بنا به گفته وزیر کشاورزی دوسال گذشته بیست و پنج میلیارد دلار صرف مبارزه با حزب کارگران کردها شده است و این رقم برابر است با دوسال کل صادرات ترکیه، در سال جاری نیز شش میلیارد دلار هزینه این جنگ خواهد شد. در حال حاضر پ. کا. کا صنعت توریسم

را که منبع اصلی درآمد دولت ترکیه است تهدید می‌کند، اگر عملیات نظامی این حزب به شهرهای ساحلی گسترش پیدا کند، توریسم فلج خواهد شد. ترکیه در سال ۱۹۹۲ هفت میلیون و نیم توریست داشته است. در سال ۱۹۹۳ این تعداد یک میلیون کاهش یافت و امسال حدوداً بین سه الی چهار میلیون خواهد شد. ریشه بحران اقتصادی ترکیه در کردستان است، صاحبان صنایع صدایشان بلند شده است که برای مساله کرد راه حل سیاسی پیدا کنند. واضح است که یک اقتصاد شکوفا فقط در یک محیط امن بوجود می‌آید. فرهیختگان اقتصاد ترکیه اعتقاد دارند که دولت به جای صرف هزینه‌های سنگین نظامی باید به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم کردنشین اقدام کند. اما سیاستمداران ناسیونالیست می‌خواهند با همان شیوه کهنه سرکوب نظامی که نتیجه اش همواره خون و اشک بوده است با



مساله کردها برخورد میکنند. برای یک مساله سیاسی مهم مانند مساله کردها حل نظامی وجود ندارد، تنها و تنها راه دیالوگ و مذاکره مستقیم است.

تحریم اقتصادی عراق توسط سازمان ملل بعد از جنگ کویت نیز برای ترکیه بسیار گران تمام شده است، عراق بزرگترین مشتری و شریک اقتصادی ترکیه در منطقه بود. ستون کامیونهای ترک که از دیاربکر به طرف عراق حرکت می‌کردند چهار سال است متوقف شده و کاروانهای کامیونهای نفت کش که از کرکوک عراق نفت می‌آوردند در گوشه و کناره‌ها شده و در حال بومیست هستند. ترکیه اخیراً قراردادی با عراق بسته است تا نفت موجود در لوله‌هایی که عراق را به ترکیه وصل می‌کند را در مقابل مواد غذایی و دارو بخرد و این کار ترکیه موجب عصیانیت آمریکا شده است که می‌گوید ترکیه تحریم اقتصادی را شکسته است. از نظر اقتصادی ترکیه دیگر قادر نیست سیاست آمریکارادار مورد عراق تحمل کند. حفاظت منطقه کردنشین شمال عراق که به یک شبه دولت درین نقطه مشروعیت می‌دهد، به نفع ترکیه نیست. سیاستمداران ترک به آمریکا اعتراض می‌کنند که با صدام حسین را سرنگون کنید و دولت را روی کار بیاورید که تمامیت ارضی عراق را تضمین کند و یا اگر امکان این کار را ندارید با بغداد کنار بیاورید.

حالت فوق العاده نظامی ترکیه که برای نابودی شورشیان کرد ایجاد شده بود توسط کردهای عراق خنثی گردید که بد با خوب، شورشیان کرد ترکیه را در گورستانهای کامیونهای نفت کش می‌بیند و برای دولت ترکیه امکان پذیر نیست که دیواری بین کردستان و مرزهای سوریه بکشد تا مانع رفت و آمد کردها به سوریه و پایگاه‌های آموزشی شان در دره بقاء لبنان گردد. ادامه تحریم اقتصادی عراق و درگیری نظامی ارتش و پ. کا. کا کردستان ترکیه را بیک منطقه ویران و جنگ زده تبدیل کرده است. تنها قبایل طرفدار آنکارا در شهرهای کردستان تفنگ بدوش در رفت و آمد هستند آنها که عنوان "پاسداران روستا" را دارند همراه ارتش ترکیه دشمنان قسم خورده پ. کا. کا محسوب می‌شوند.

اقتصاد، پاشنه آشیل دولت آنکارا است، جنگ داخلی موجب ویرانی و مانع توسعه کشور است. ارزش پول هفته به هفته پایین می‌آید و تورم به ارقام سه تا بی می‌رسد، ترکیه با ۶۷ میلیارد دلار بدهی خارجی تا گلدر قرض فرورفته است. زنگهای خطر برای اقتصاد ترکیه به صدا درآمده اند، دولت مجبور است برای جبران ورشکستگی، مالیات بیشتری از مردم بگیرد، قیمت محصولات نفتی بین ۴۵ تا ۹۰ درصد بالا رفته، دخانیات بین ۷۷ تا ۱۰۰ درصد و جای و شکر بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد گران شده است.

هر تغییر و تحول سیاسی در ترکیه مستقیماً از مساله کردها و جنگ داخلی تأثیر می‌گیرد و گاهی نیز نتیجه مستقیم این جنگ است. پیروزی حزب رفاه (حزب بنیادگرایان

اسلامی در ترکیه) در انتخابات شهردارها در ۲۷ مارس سال جاری از آن جمله است، حزب رفاه از سیستم انتخاباتی عقب مانده ترکیه، از غیبت کاندیداهای کرد و دموکرات، از انشعاب در صفوف راست و از وابستگی ترکیه به آمریکا و بحران اقتصادی برای پیروزی خود سود برده است. سیستم انتخاباتی ناقص و یک مرحله‌ای در ترکیه به حزب رفاه اجازه داده تا با بدست آوردن سی درصد آراء در شهرها، شهردارها را تصاحب کند در صورتی که آراء کاندیداهای لائیک در سراسر ترکیه هشتاد درصد بوده است و به همین جهت بین شهرداران اسلامی و نمایندگان انجمن‌های شهر که عموماً لائیک هستند کشمکش و ناسازگاری وجود دارد. اما محتملترین پارامتری که به پیروزی حزب رفاه معنی می‌دهد غیبت نمایندگان کرد در این انتخابات است. پنج روز قبل از این انتخابات نمایندگان پارلمانی حزب دموکراتیک را دستگیر و زندانی کرده بودند، حزب کارگران کرد و حزب دموکراتیک انتخابات را تحریم کردند. این با یکوت در کردستان ترکیه به طور نسبی رعایت شده بود، اما شرکت در انتخابات طبق قانون اجباری است و روستائینی که در انتخابات شرکت نکرده اند بهانه بدست ارتش داده اند تا به جرم همکاری با پ. کا. کا تنبیه شوند و روستاهایشان با خاک یکسان شود. بدین جهت کسانی که با دولت مخالف بوده اند به رفاه رای داده اند چون هر رای به حزب رفاه در عین حال یک رای نه به آنکارا بوده است. طرفداران حزب دموکراتیک و کردهایی که با سیاست و شیوه عمل پ. کا. کا موافق نیستند نیز به حزب رفاه رای داده اند. پیروزی حزب رفاه در شهرهای کردستان ترکیه به سیاست این حزب در مورد مساله کردها نیز مربوط می‌شود که می‌گویند در صورت بقدرت رسیدن، مساله کردستان را از طریق سیاسی حل خواهند کرد، هر چند که شهرداران جدید سعی می‌کنند مساله کردها را با مطرح نکنند و به این ترتیب موضوع مبهم می‌ماند. با بد توجه داشت که ارتش به همان اندازه مخالف حزب رفاه است که مخالف پ. کا. کا.

اکنون حزب رفاه به سوی انتخابات سال ۱۹۹۶ خیز برداشته است، این حزب در سال ۱۹۹۱ نه درصد آراء را داشت، در سال جاری هیجده درصد انتظار دارد که در سال ۱۹۹۶ چهل درصد آراء را بدست بیاورد. در آن صورت اساس نظام موجود در ترکیه تغییر خواهد کرد. "نجم الدین ارباگان رهبر حزب رفاه می‌گوید، آنکارا پایتخت جمهوری ترکیه و استانبول پایتخت جهان است و پیروزی ما در این دواماد شهر پیروزی ما در سراسر ترکیه تضمین می‌کند. ارباگان یک تازه به دوران رسیده سیاسی نیست، وی قبلاً در دولت‌های بیلت اجویت و سلیمان دمیرل در سالهای دهه ۷۰ شرکت کرده است. در آن زمان او بیشتر یک محافظه کار بود تا مسلمان بنیادگرا.

حزب رفاه در سال ۱۹۸۳ تاسیس شده و رابطه تنگاتنگی با اخوان المسلمین دارد. انار سید قطب (سید قطب در سال ۱۹۶۶ توسط جمال عبدالناصر در مصر بدار آوریده شد) به ترکی ترجمه شده و جزو کتب آموزشی اعضا در حزب می‌باشد. "سيف الله البنان" پسر "حسن البنان" بنیانگذار اخوان المسلمین در تمام کنگره‌های حزب رفاه به نمایندگی از طرف اخوان المسلمین شرکت کرده است.

نمایندگان حزب رفاه سعی می‌کنند بگیرند که

جنگ داخلی برای آنکارا خیلی گران تمام می‌شود. بنا به گفته وزیر کشاورزی دوسال گذشته بیست و پنج میلیارد دلار صرف مبارزه با حزب کارگران کردها شده است و این رقم برابر است با دوسال کل صادرات ترکیه

بنیادگرایان هستند. آنها حتی می‌گویند که با قانون اساسی لائیک، افکار کمال آتاتورک و ضمیمه شدن ترکیه به اتحادیه اروپا مخالف نیستند. شهرداران جدید از جمله شهردار اسلامی آنکارا شهردار سیواس و شهردار جیزره که سابقاً مقرر پ. کا. کا بوده، می‌خواهند به مردم اطمینان بدهند که ترکیه الجزایر نیست و حزب رفاه به افکار عمومی احترام می‌گذارد، اما ترکیه نیز بنیادگرایان گوناگونی دارد که بعضی از آنها طرز عمل "ارباگان" را تکفیر می‌کنند و بعضی نیز با وی همزیستی دارند که از آن جمله می‌توان به حزب اله اشاره کرد که در منطقه کردستان ترکیه عملیات خرابکاری انجام می‌دهد و تا بحال دهها تن از افراد جنبش ملی را که با آنکارا مناسبات خوبی دارد، ترور کرده است. سایه حزب اله دلهره در مردم ایجاد کرده است، درست فرادای پیروزی حزب رفاه مراکز تجاری-توریستی در مرحله استقلال جاده سی استانبول نصف ارزش خود را از دست دادند.

قبلاً اشاره شد که هر حرکت سیاسی آنکارا مستقیماً از

مساله کردها تأثیر می‌پذیرد و با در رابطه با این مساله است بدین جهت رابطه دولت ترکیه با کشورهای همسایه نیز در حول همین مساله مرکزی تنظیم می‌شود که می‌آید فعلی پناهجویان بین ایران و ترکیه یکی از نمونه‌های آن است اما اینگونه تلاش‌های مقطعی به حل مساله کردها کمک نخواهد کرد، زیرا اختلاف بین تهران و آنکارا ریشه‌های تاریخی و عقیدتی دارد. علاوه بر آن پان ترکیستهای آنکارا در سالهای اخیر خواب امپراطوری عثمانی را

آنکارا در تدارک حمله نهایی به کردستان ترکیه است. این تهاجم ممکن است با تشکیل یک دولت جدید از ائتلاف حزب خانم چیلدر با حزب مام وطن صورت گیرد و یا با یک کودتای نظامی همراه باشد که دست ارتش را برای نابودی کردها بازمی‌گذارد.

می‌دیدند و سعی می‌کردند احساسات ملی را در آذربایجان تحریک بکنند و در مقابل جمهوری اسلامی نیز از سببانی کردها نسبت به ایران بهره‌برداری می‌کرد. زمانی اختلاف بین ایران و عثمانی، اختلاف بین شیعه و سنی بود و به همین جهت امپراطوری عثمانی به کردها خود مختاری وسیعی داده بود تا دیواری بین ترک و فارس و شیعه و سنی باشند و امروز اختلاف بین جمهوری اسلامی با ترکیه اختلاف یک نظام ایدئولوژیک با یک نظام لائیک است و رشد بنیادگرایی اسلامی در ترکیه اختلافات تهران و آنکارا را تشدید خواهد کرد. کردها همواره از اختلاف بین ایران و ترکیه بهره‌برده‌اند و با بیان تاریخی کردها همیشه وسیله‌ای در دست طرفین بوده‌اند. نظریه اینکه کردها از اقوام ایرانی بوده و ریشه زبان و فرهنگ شان ایرانی است لذا ایران را وطن اصلی خود می‌دانند و تمایل کردهای عراق و ترکیه به ایران هم ازین واقعیت تاریخی ریشه می‌گیرد و هر حکومتی هم در تهران روی کار باشد نخواهد توانست نسبت به این تمایل بی تفاوت باشد، هر چند که این تمایل برای بغداد و آنکارا گران تمام می‌شود و نیز کردهای طرفدار "کردستان بزرگ" سعی می‌کنند این تمایل ملی را نادیده بگیرند یا نفی بکنند. بر فرض اگر آنکارا با ارمنستان، ایران، عراق و سوریه برای کنترل کردها به توافق‌های دو جانبه و چند جانبه کامل هم برسد باز هم در عمل این توافقها شکست خواهد شد زیرا اساساً مرز طبیعی در کردستان وجود ندارد. تنها توافق پایدار فقط و فقط می‌تواند بین دولت آنکارا با خود کردهای ترکیه برقرار شود که آنهم با برسمیت شناختن حقوق کردها امکان پذیر است.

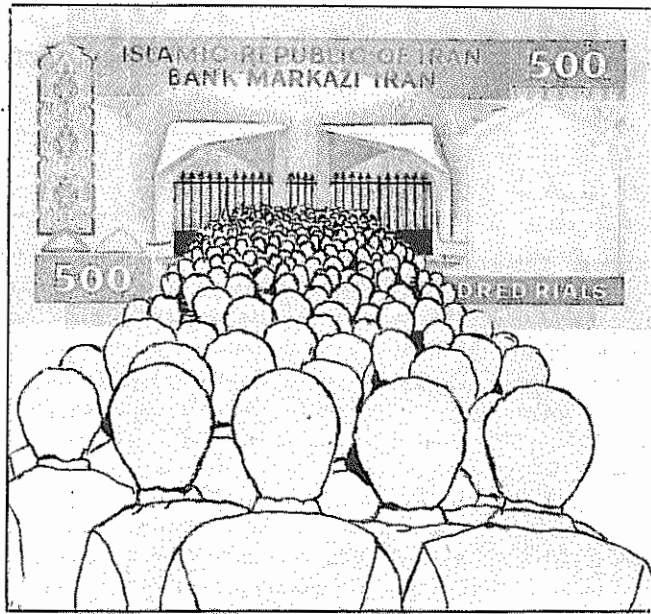
آنکارا برای سرکوبی کردها همیشه از کمکیهای مستقیم و غیر مستقیم ناتو و کشورهای غربی استفاده کرده است. جلوگیری از فعالیت پ. کا. کا در آلمان فرانسه که چندی پیش صورت گرفت یک نمونه آن است. همچنین دولت ترکیه خیالش راحت است که در جریان این سرکوبی، غربی‌ها مساله حقوق بشر را علم نخواهد کرد زیرا با وجود جنگهای قفقاز، با حضور رژیم‌های مخالف غرب در ایران و عراق و با گرفتاری بودن غرب در یوگسلاوی، غربی‌ها به دوستی آنکارا که پایگاه آنها درین منطقه حساس باشد نیاز حیاتی دارند. این حمایت اگر در کوتاه مدت هم به نفع آنکارا تمام بشود، در درازمدت به ضرر آن تمام خواهد شد. غرب در سال ۱۹۷۵ جنبش دمکراتیک ملا مصطفی بارزانی را به بغداد فروخت. نتیجه این عمل پیدایش دیکتاتوری مانند صدام بود که هشت سال پرتلفات ترین جنگ معاصر یعنی جنگ ایران و عراق را راه انداخت و آتش جنگ کویت و خلیج فارس را افروخت که به ویرانی کویت و عراق و قربانیان بی‌شمار منجر شد، اگر غربی‌ها از محمد رضا شاه حمایت همه جانبه نمی‌کردند تا مخالفان خود را به بیرحمانه ترین شیوه‌ها نابود کند و هر ایزدیسون دمکراتیک را از بین ببرد، بی‌شک امروز رژیم بنیادگرایان در ایران مستقر نمی‌شد. با همین منطق اگر غرب به قوم کشی در ترکیه صحنه بگذارد، زمینه رشد بل بوتیسم و بنیادگرایی را فراهم خواهد کرد. "عبداله اوجالان" رهبر پ. کا. کا اخیراً در یک مصاحبه با یک روزنامه نگار ترک اظهار داشته است که خواهان جدایی نیست و خواستار حل مساله کردستان در چهارچوب تمامیت ارضی ترکیه است، این موضع گیری نشان می‌دهد که هنوز راه آشتی ملی در ترکیه بسته نشده است و سیاستمداران آنکارا اگر علاقه عمل بکنند می‌توانند تمامیت ارضی ترکیه را تضمین بکنند، از ارزشهای نظام لائیک دفاع نمایند و نمونه یک کشور دمکراتیک در منطقه باشند.

ماشاالله رزمی
دهم ژوئن ۱۹۹۴

نظام آموزشی طبقاتی در ایران

تست اول

پژمان



اقتصادی رژیم، نخست وضع دستگاه آموزشی را نابسامانتر می‌کند و در نهایت سبب سپردن بخشی از وظایف دولت به بخش خصوصی می‌شود و از این طریق به ایجاد تبعیض فرهنگی دامن می‌زند و آموزش را طبقاتی می‌کند. سپس این آموزش طبقاتی دشمنی‌های طبقاتی را پدید می‌آورد و بر تعداد کم سوادان و فاصله طبقاتی جامعه می‌افزاید. به خاطر همین مسئله شهری، بیم آن می‌رود آموزش طبقاتی، که با حضور مدارس غیرانتفاعی در جامعه راه افتاده است، بیشتر مدارس کشور را دربرگیرد. اصولاً مدارس غیرانتفاعی با بافت اقتصادی اکثر خانواده‌های ایرانی همخوانی ندارند. گسترش این شیوه تحصیل، آموزش را یقیناً به سمت انحصار طبقه برخوردار می‌کشد. در جمهوری اسلامی ایران بیش از ۸۰ درصد دانش‌آموزان از خانواده‌های متوسط و فقیر هستند و حتی از تأمین بخش کوچکی از مخارج مدارس غیرانتفاعی هم عاجزند، آیا فقط ۲۰ درصد باقی‌مانده حق رشد و ارتقای کیفی آموزشی را دارند؟ بی‌تردید از این پس مدارس خصوصی در محلات اعیان‌نشین و مدارس دولتی در محلات فقیرنشین گرد خواهند آمد. وزارت آموزش و پرورش ظاهراً ادعا می‌کند که با سپردن قسمتی از وظایف خود به بخش خصوصی می‌خواهد بارش را سبک کند تا بلکه بدین طریق بتواند به آموزش و پرورش طبقات مستضعف و مردم نقاط دور دست بپردازد. چنین شعارهایی از روی کاغذ و پشت میکروفن فراتر نخواهد رفت و تجربه ثابت کرده است که این عمل باعث می‌شود تعداد بیشتری از افراد واجب‌التعلیم به مدرسه راه نیابند، چنانکه طبق گفته مسئولین دولتی رژیم در سال تحصیلی ۱۳۷۲، دو میلیون کودک بین ۶ تا ۱۰ سال به مدرسه راه نیافته‌اند.

آموزش و پرورش ایران به شکل امروزی سابقه نزدیک به یک قرن دارد و در این مدت فرازونشیب‌های فراوانی را طی کرده است. حتی می‌توان گفت که در دوران رژیم محمد رضا پهلوی تحصیل تا این حد طبقاتی نبود. سطح شهریه‌های مدارس ملی آن زمان با درآمد متوسط مردم تناسب داشت، ولی اکنون طبقه کم درآمد متوسط و حتی صاحبان درآمد‌های معمولی هم امکان پرداخت شهریه‌های مدارس خصوصی را ندارند. جالب است بدانیم بودجه‌ای که جمهوری اسلامی برای آموزش و پرورش اختصاص می‌دهد به میزان قابل توجهی نسبت به زمان رژیم پهلوی بیشتر است حتی مجلس شورای اسلامی درصدی از درآمد شهرداری شهرهایی که مشکل فضا دارند را به امر مدرسه‌سازی اختصاص داده و نیز یازاد مردم در مدارس دولتی تحت عنوان گوناگون پول‌هایی می‌گیرند که سربه می‌یابند و تومانی می‌زند با این همه اما معضلت آموزش و پرورش را بی‌تحمل باقی‌مانده است و وزارت آموزش و پرورش همچنان دستش برای دریافت کمک‌های از مدارس دولتی به دلیل حضور مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی (آزاد اسلامی) و آموزشگاه‌های خصوصی که کلاسهای کنکور دایر می‌کنند تقریباً از معلمان خوب تهی شده است. معلمان و

برای جبران کمبودهای گذشته و تأمین نیازهای تازه و بازسازی ۱۰ درصد از کلاسهای قدیمی به طور متوسط در ۵ سال آینده باید هر سال حدود ۳۲۰۰۰ کلاس جدید ساخته شود. این یعنی سالی ۸۲/۳ میلیارد تومان خرج. محاسبه دیگری این هزینه را تا ۱۲۱ میلیارد تومان هم بالا می‌برد. آنها می‌گویند اگر راه‌های متعددی برای تأمین منابع اقتصادی نظام آموزشی پیدا نشود، جریان کاهش کیفیت‌ها همچنان ادامه خواهد یافت و رشد و توسعه جامعه دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهد شد. و به جای یافتن راه‌حل‌های مناسب، از طرف وزارت آموزش و پرورش تنها طرح سپردن کار مردم به دست مردم ارائه می‌شود. ظاهراً پیش‌بینی جمعیت آینده دانش‌آموزان کشور که از رشد بی‌رویه جمعیت در ۱۵ سال اخیر ناشی می‌شود باعث می‌گردد که مسئولین به آموزش غیردولتی روی بیاورند و زمینه‌هایی فراهم سازند که خصوصی کردن مدارس هر چه بیشتر تشویق شود. اما خصوصی کردن آموزش تا کجا می‌تواند ادامه یابد و آیا مدرسه رایگان، که قانون اساسی بر آن تأکید می‌ورزد همچنان وجود خواهد داشت؟ با نگاه به بافت اقتصادی و اجتماعی کشور می‌توان دید که تأسیس مدارس خصوصی، در پاره‌ای از بخش‌های جغرافیایی، مثلاً روستاها و شهرهای محروم، اساساً امکان‌پذیر نیست. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که مدارس دولتی باقی خواهند ماند. اما کیفیت و امکانات آنها را می‌توان از هم اکنون حدس زد!

باید در نظر داشت که بحران و تورم اقتصادی باعث فقیرتر شدن جامعه و عدم امکان خانواده‌ها برای رسیدگی به فرزندان و احتیاج آنها به درآمد حاصل از کار فرزندان خود می‌شود و این امر باعث می‌گردد که گروه کثیری از دانش‌آموزان در همان سال‌های ابتدایی و راهنمایی مدرسه را ترک کنند. با این حساب مشکلات

جمهوری اسلامی به علت جنگ، محاصره اقتصادی، برنامه ریزی غلط، بی‌مبالاتی، دزدی، رشوه‌گیری، تورم، قرض خارجی... نتوانسته منابع مالی جامعه را همپای رشد جمعیت توسعه دهد. در نتیجه آموزش رایگان هر سال در جمهوری اسلامی کم رنگ و کم رنگ‌تر از قبل شد. چنانچه اگر اصل سی‌ام قانون اساسی تا سال ۱۳۶۷ هم اعتباری داشت در خرداد ماه آن سال با تصویب "مدارس غیرانتفاعی" در مجلس شورای اسلامی بر خاک افتاد. ابتدا مسئولین آموزش و پرورش دریافت وجهی بابت تحصیلات ابتدایی و متوسطه را غیر قانونی اعلام کردند. سپس گفتند که دادن مبلغی از روی رضایت و به دلخواه ایرادی ندارد. بعد متذکر شدند اصلاً آنچه غیر قانونی است شهریه است ولی برای تأمین هزینه‌های جانبی می‌توان از والدین دانش‌آموزان پول‌هایی گرفت که نام آن البته چیز دیگری است. آنگاه راه‌های دیگری ابداع شد، از قبیل اینکه ثبت نام اول سال تحصیلی رایگان است، اما سه ماه از سال گذشته برای اداره، مدرسه از والدین درخواست کمک مالی می‌شود. سپس بابت بورد و سایر هزینه‌ها از دانش‌آموزان پول‌هایی گرفته می‌شود. اما هر کس بهتر از آن می‌خواهد باید از جیب بدهد. فهرست راه‌هایی که توسط مسئولین آموزش و پرورش با نیت دورزدن قانون اساسی رژیم اختراع شد چنان معروف است که نیازی به برشمردن مجدد تمامی آنها نیست. در طول این مدت مسئولین وزارت آموزش و پرورش گرفتن شهریه را تکذیب کردند اما بالاخره از سوی بالاترین مقام آن وزارتخانه با صراحت اعلام شد که از سال آینده اگر مردم می‌خواهند فرزندانشان به مدرسه بروند باید هزینه بخشی از آن را بپردازند. مسئولین آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی تنها به سبک کردن بار خود فکری می‌کنند. آنها می‌گویند اگر تراکم و ضریب بهره‌وری کلاس‌های موجود حفظ شود،

سرما به اصلی‌ترین محور بحث توسعه می‌باشد. هر چند که سالها تنها سرما به عامل اصلی توسعه محسوب می‌شد ولی با مشخص شدن نقش نیروی انسانی در توسعه، گونه دیگری از سرما به معنی سرمایه انسانی، نیز به تدریج جای شایسته خود را در تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه یافت. امروزه، سرما به مادی و سرما به انسانی از عوامل اصلی توسعه شناخته می‌شود و بسبب این دو، اهداف توسعه را تحقق می‌بخشد. تأمین سرما به انسانی مستلزم انجام فعالیتهای آموزشی است. بنابراین، انجام هر گونه سرمایه‌گذاری آموزشی، هم سبب ایجاد سرما به مادی‌ها می‌گردد و هم شرایط بهبود و کیفیت این سرما به مادی‌ها را فراهم می‌آورد. از این روست که کشورهای جهان و به ویژه کشورهای در حال توسعه مقادیر متنابهی از بودجه خویش را به سرمایه‌گذاری در امر آموزش اختصاص می‌دهند. بنابراین سرما به مادی‌ها برای آموزش، یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه است.

با توضیحات فوق باید بررسی کرد که در طول حکومت جمهوری اسلامی در ایران چه سیاست‌هایی در عرصه آموزش و پرورش پی‌ریزی و اجرا شده است. البته پیش از این در اواسط ماه مهر ۱۳۷۲ در یکی از شماره‌های نشریه کاربری از جوانب آموزش و پرورش را بررسی کردیم و اکنون قصد بر آن است که در نوشته حاضر به دو عرصه: الف) شهریه، ب) رده‌بندی مدارس، بپردازیم. لازم به تأکید است که بررسی وضعیت آموزش و پرورش و نقشی آن در امر توسعه وظیفه متخصصین و کارشناسان آموزشی ایرانی در داخل و خارج از کشور می‌باشد و نگارنده این سطور چنین نقشی را برای خود قائل نیست.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، بسیاری از کشورهای در حال توسعه آموزش رایگان را گسترش دادند، بنابراین شهریه‌های آموزشی در بخش دولتی کاهش یافت و حتی منسوخ شد. اگر یادمان باشد از سال ۱۳۵۴، یعنی در دوران حکومت محمد رضا پهلوی آموزش در کشور رایگان اعلام شد و این نگرانی که فقط طبقات مرفه، به تحصیلات بهتر و آموزش عالی دست خواهند یافت و در نهایت مدیریت جامعه را در اختیار خواهند گرفت تا حدودی کاهش یافت. بعدها، با بروز انقلاب این تصور که آموزش عالی خاص طبقات ممتاز است عقب نشست. یعنی شرایط و شورش و شوق انقلابی جامعه باعث گردید که آموزش رایگان در کشور به صورت یک اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده شود. بدین ترتیب آموزش‌های مقدماتی و متوسطه طبق قانون از وظایف دولت محسوب شدند. در اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. در اوایل انقلاب منابع مالی جامعه برای ارائه آموزش همگانی رایگان کفایت می‌کرد اما دولت

گزارش سالانه عفوبین الملل انتشار یافت

توسط ماموران حکومت ایران شده‌اند. روز ۱۶ مارس محمد حسین نقدی عضو شورای ملی مقاومت و کاردار سابق سفارت ایران درم توسط دو نفر مسلح به قتل رسید. در همان ماه دو نفر از طایفه نورا به نام‌های حبیب و لاورد در مقابل خانه‌ی خود در کراچی ترور شدند. در ماه ژوئن محمد حسن ارباب (که به محمد خان بلوچ نیز مشهور بود) وابسته به مجاهدین نیز در کراچی مورد سو قصد قرار گرفت و به قتل رسید. در ماه اوت محمد قادری عضو سابق حزب دموکرات کردستان ایران از خانه‌ی خود در "کرشهر" ترکیه دزدیده شد و جسد مثله شده‌ی وی ۱۰ روز بعد کشف گردید. همچنین در ماه اوت بهمن آزادی فر-یک عضو حزب دموکرات کردستان ایران - در خانه‌اش در ترکیه به قتل رسید. بنا به گزارش‌ها او توسط دو نفر که لباس میدل پلیس ترکیه را به تن داشتند کشته شده است. گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد افرادی که در ارتباط با دزدیدن عباس قلی‌زاده در دسامبر ۹۳ در ترکیه دستگیر شده‌اند به آدم ربایی اعتراف کرده و گفته‌اند آنها چند ماه بعد دستور گرفته‌اند که جسد وی را دفن کنند. تا پایان سال گزارش بیشتری در این زمینه انتشار نیافته است.

از جمله‌ی اعدام شدگان است. او ده ماه در زندان رشت و در سلول انفرادی بوده است. سلیم صابریانو مصطفی قادری که گفته می‌شود از اعضای کومه له هستند به فعالیت علیه جمهوری اسلامی متهم شده و گفته می‌شود به مرگ محکوم شده‌اند. حکم اعدام آنها در دادگاه عالی در ماه مارس مورد تأیید قرار گرفته است. آنها در زندان تبریز حبس هستند. از اواخر سال ۹۳ از وضعیت آنها اطلاعی در دسترس نیست. بازم گزارش‌هایی درباره آدم دزدی یا قتل مخالفان حکومت در خارج از کشور انتشار یافته است و این در حالیکه استنباط می‌شود که مقامات حکومت ایران یا کسانی که از طرف آنان مأمور شده‌اند مسئول این قتلها بوده‌اند (به گزارش عفوبین الملل سال ۹۳ مراجعه کنید). در ماه مه ۱۹۹۳ دادستان آلمان که پرونده جنایت سپتامبر ۹۲ در برلین را مورد رسیدگی قرار داده بود، اظهار داشت که کارگردان اصلی این جنایت یک مأمور سرویس‌های مخفی امنیتی ایران بوده است که از سوی مقامات مافوق خود در تهران دستور گرفته است که این قتل‌ها را انجام رساند. شیوه‌ی حمله به فعالین مخالف حاکی از آنست که - دست کم برخی از آنان - قربانی اعدام‌های غیر قضائی

طی سال مورد گزارش حداقل ۹۳ نفر اعدام شده‌اند. بعضی از آنان در ملاعام به دار آویخته شده‌اند. در سال‌های قبل تر تعداد زیادی اعدام به جرائم غیر سیاسی از قبیل سازمان ملل در حقوق بشر و دیگر نهاد‌های مدافع حقوق بشر شمار بالای اعدام‌ها در ایران با استناد اخبار روزنامه‌ها را مورد انتقاد قرار دهند. مطبوعات و منابع غیر رسمی

شامل بوده است که بین آنان از سرهنگ نصرت‌اله توکلی نیشابوری می‌توان نام برد. دلیل این بازداشت‌ها دقیقاً روشن نیست. در ماه اوت روزنامه رسالت نوشت مقامات زندان‌های کشور اعلان کرده‌اند در سال ۱۷۱ ایران ۹۹۹۰ نفر زندانی داشته است. در حال‌آنکه شمار زندانیان سیاسی در این میان روشن است و نه تعداد اعدام‌ها. روحانیون شیعه و سنی هم همچنان تحت ایذا قرار دارند. حداقل ۵ نفر از پیروان آیت‌الله حسین علی منتظری طبق گزارش‌ها در فروردیه پس از آنکه او علناً از حکومت انتقاد کرد بازداشت شده‌اند. تا پایان سال از سر نوشت آنها اطلاع دیگری وجود نداشته است. مستمراً گزارش می‌شود که شکنجه و رفتار ناشایست با زندانیان سیاسی به منظور کسب اقرار و اظهاراتی که به عنوان مدرک در دادگاه ارائه می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. عمومی‌ترین روش شکنجه شلاق زدن بر پشت یا بر کف پاها و یا آویزان کردن است. گزارش‌های اقتناع‌کننده‌ای وجود داشته است که قبلاً زندانیان سیاسی را برای مدت طولانی در زندان انفرادی و با چشم‌های بسته و با جیره شلاق یا باتون نگه می‌داشته‌اند. قطع عضو و تعزیر به عنوان مجازات همچنان رایج است.

عفوبین الملل فعال‌ترین سازمان بین‌المللی در دفاع از حقوق بشر

سازمان عفوبین الملل بزرگترین و فعال‌ترین سازمان بین‌المللی در زمینه دفاع از حقوق بشر در دنیا است. این سازمان که دبیرخانه‌ی آن در لندن واقع است از بیش از ۳۰۰ گروه تشکیل شده است که در ۸۰ کشور جهان فعالیت می‌کنند. عفوبین الملل در ۵۳ کشور دارای شعبه و دفتر رسمی است. در ۵۴ کشور دیگر گروه‌هایی هستند که به نفع مقاصد عفوبین الملل علناً فعالیت می‌کنند اما از سوی عفوبین الملل نمایندگی ندارند. در مورد ۷۵ کشور دیگر عفوبین الملل فعالیت‌هایی ندارد و فعالیت به سود مقاصد این سازمان جرم شناخته می‌شود و ممنوع است.

هر دو اشاره داشته‌اند که در فاصله دسامبر ۹۲ تا فوریه ۹۳ بیش از ۲۰ بلوچ اعدام شده‌اند. در دسامبر یک دختر ۱۵ ساله بنام میترا هرنانی به مرگ وب ۲۰ ضربه شلاق محکوم شده است. او متهم به قتل بوده و در دادگاه قزوین محاکمه شده است. زندانی سیاسی محمد محمدی ثابت

ادامه از صفحه ۱

صفحه‌ای عفوبین الملل راجع به ایران آمده است، پیش از این در گزارش جداگانه‌ای انتشار یافته بود و ترجمه آن نیز در نشریه کار چاپ شده است. به این دلیل آنچه در زیر می‌خوانید خلاصه‌ای از گزارش سالانه عفوبین الملل درباره ایران است. بازداشت‌های سیاسی، شکنجه، محاکمات غیر عادلانه و اعدام‌های سریع از اقصی نقاط کشور گزارش شده است. زندانیان عقیده در بین کسانی بوده‌اند که بازداشت شده و یا بدنبال محاکمات غیر عادلانه برای مدت طولانی به زندان افکنده شده‌اند، تا زمانه زدن و قطع انگشتان به عنوان کیفرهای قضائی همچنان رایج است. حداقل ۹۳ نفر به شمول زندانیان سیاسی اعدام شده‌اند. چندین نفر از مخالفان حکومت در خارج از کشور در شرایطی دزدیده شده و یا به قتل رسیده‌اند. گزارش‌های مکرر در باره بازداشت‌های خودسرانه، حبس شکنجه و اعدام مظنونین به مخالفت با حکومت دریافت شده است. بازداشت افسران سابق نیروهای مسلح و پلیس امنیتی در ماه اکتبر نیز

به خاطر حرمت انسان

هفته گذشته گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل درباره وضع حقوق بشر در جهان در سال ۱۹۹۳ انتشار یافت. نظریه جایگاه حقوق بشر و یکار در راه رعایت آن و نظریه نقشی که سازمان عفو بین الملل در عرصه جهانی بر عهده دارد و نیز با هدف قدر دانی از هزاران مبارز راه حقوق بشر که هر یک در تهیه این گزارش سالانه سهم بوده اند نشریه کار با سود چسبن از اطلاعات مندرج در این گزارش و نیز با استفاده از دیگر منابع آنچه را در این میان که تصور می رفت اطلاع از آنها برای آزاد یخواهان ایران سود مند است گرد آورده و با تاکید ویژه بر اهمیت آنها در این شماره انتشار داده است. این تلاش های توانمند شریک بخش جلوه کند هر گاه بتواند در ترقیب آزاد یخواهان ایران به مشارکت فعال تر در یکار عظیمی که در راه حفظ حرمت انسان در این دنیای خاکی ما و اولی تراز همه در میهن مادر جریان است سهمی هر چند ناچیز ایفا نماید.

اصلاحات در مرانامه عفو بین الملل

در اجلاسین شورای بین المللی عفو بین الملل که از ۱۴ تا ۱۷ اوت ۹۳ در بوستون آمریکا برگزار شد مواد اول و دوم مرانامه این سازمان مورد تجدید نظر قرار گرفت. متن اصلاح شده بندهای فوق بشرح زیر است:

هدف و رسالت

مشارکت در مراقبت از حقوق بشر، آنگونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است هدف عفو بین الملل است. در تعقیب این هدف و با تاکید بر وظیفه هر فرد در تلاش برای تضمین این حق باندازه خود برای دیگران، از طریق اشاعه آگاهی و تعهد به اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد معتبر بین المللی در زمینه حقوق بشر، تاکید بر ارزش ذاتی این حقوق، بر تقسیم ناپذیری و هم پیوستگی حقوق و آزادی های انسانی و با مخالفت با موارد نقض جدی حقوق افراد در حفظ یا بیان عقاید خود و مصون داشتن آنان از تبعیض بخاطر منشأ نژادی، جنسیت، رنگ یا زبان و تضمین حق هر کس برای حفظ شخصیت خود و بطور مشخص برای مخالفت کردن به تمام اشکال شایسته و بدون ملاحظاتی سیاسی، عفو بین الملل مخالفت با موارد زیر را بر عهده خود می شناسد.

بازداشت و محدودیت جسمی دیگر که به علت های سیاسی و یا مذهبی و غیر آن و یا به دلیل منشأ قومی، جنسیت، رنگ یا ... بر افراد در نظر گرفته می شود، مشروط بر اینکه آن فرد متوسل به خشونت و یا محرک آن نشده باشد (اینان از این به بعد زندانیان وجدان نامیده می شوند)، عفو بین الملل از آنان دستگیری می کند و می کوشد که این گونه افراد آزاد شوند.

ب: حبس زندانیان سیاسی بدون محاکمه عادلانه در مدت زمان معقول و یا هر جریان دادرسی در مورد اینگونه زندانیان که منطبق بر موازین شناخته شده بین المللی نبوده باشد.

ج: مجازات مرگ و شکنجه یا دیگر تنبیهات و رفتارهای غیر انسانی، تحقیر آمیز و خشن یا زندانیان و دیگر بازداشت شدگان، قطع نظر از اینکه این افراد مرتکب یا مشوق خشونت بوده یا نبوده باشند.

د: اعدام غیر قضائی افراد، قطع نظر از اینکه فرد مذکور با زداشت و یا ناپدید شده باشد و قطع نظر از اینکه او مرتکب یا مشوق خشونت بوده یا نبوده باشد.

اقدامات عفو بین الملل به منظور تحقق

الف: همواره نسبت به ایدئولوژی ها و دسته بندی های سیاسی در جهان بی طرف می ماند.

ب: در مواردی که شایسته باشد تمکین به قوانین اساسی، رعایت معاهدات و دست زدن به اقدامات ضامن حقوق انسانی را ترغیب می کند.

ج: همکاری و حمایت از سازمانها و آژانس های بین المللی که در راه تحقق اهداف یاد شده فعالیت می کنند و بسیج مردم در فعالیت های آنان.

د: انجام اقدامات ضروری به منظور تاسیس یک سازمان مؤثر و کارآمد و شعب آن برای بسیج گروه ها و افراد عفو.

ه: تامین حمایت گروه های غیر و همکاران از تکلیف افرادی که زندانی عقیده هستند یا بسیج آنان در انجام وظایفی که اهداف عفو بین الملل در مقابل آنان قرار داده است.

و: تامین حمایت مالی و دیگر نیازهای مادی زندانیان عقیده و بستگان آنان و با افرادی که اخیرا زندانی عقیده بوده اند و یا کسانی که منتظما می یابست زندانی عقیده بشمار روند و یا اگر محکوم شوند و یا به کشور خود بازگردند زندانی عقیده شناخته خواهند شد. حمایت مالی از بستگان این افراد و از قربانیان شکنجه که نیاز به مراقبت های پزشکی ناشی از آن دارند.

ز: تامین کمک حقوقی، در مواردی که ضرور و ممکن باشد، برای زندانیان عقیده و دیگر کسانی که منتظما می توانند زندانی عقیده شمرده شوند و یا در آینده پس از محکومیت و یا اگر به کشورشان بازگردند می توانند زندانی عقیده به حساب آیند. اعزام ناظران به منظور حضور در محاکمه این گونه زندانیان در موارد ضرور.

ح: انتشار شرح وضعیت زندانیان عقیده و نیز کسانی که به علت تخلف از موازین حقوق بشر ناقص العضر شده اند.

ح: تحقیق درباره ناپدید شدگان و انتشار وضعیت آنان در مواردی که

نام کشورهایی که به علت وضع حقوق بشر در آنها زیر مراقبت ویژه و دقیق سازمان ملل قرار دارند

نام کشورهایی که فقط تحت مراقبت ویژه قرار دارند

- ۱- تیمور شرقی
- ۲- السالوادور
- ۳- آفریقای جنوبی
- ۴- سری لانکا
- ۵- زئیر
- ۶- تاجیکستان
- ۷- توگو
- ۸- برنگ و بیل

حقوق بشر و مواضع حقوقی کشورهای در سال ۱۹۹۳

پذیرش آن توسط کشورهای می تواند جدا از پذیرش کل مقاله نامه صورت گیرد. یعنی دولت هایی که مقاله نامه را امضا می کنند می توانند اعلام کنند که یک یا هر دو بخش الحاقی را نمی پذیرند. یک بخش از این ملحقات شامل موادی است که پذیرش آن برای بسیاری کشورها عملی بوده است. اما بخش دیگر آن که مربوط به منع مجازات اعدام میشود فقط توسط معدودی از کشورها پذیرفته شده است. تا سال ۹۳ فقط ۱۲ کشور استرالیا، فنلاند، سوئد، آلمان، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نیوزلند، نروژ، پرتغال، رومانی، اسپانیا، خود را قاعدتا به منع مجازات اعدام متعهد کرده بودند.

کنوانسیون بین المللی درباره منع شکنجه و دیگر تنبیهات غیر انسانی

اکثر کشورها این کنوانسیون را پذیرفته اند. منتها بسیاری از کشورها بندی را که به کمیته حقوق بشر سازمان ملل حق می دهد حتی شکایات فردی در اعمال شکنجه را مورد تحقیق قرار دهد را مستثنی کرده و نیز پذیرفته اند. برخی کشورها ضمن پذیرش کنوانسیون قید کرده اند که اگر قرار باشد که کمیته حقوق بشر دست به یک رشته تحقیقات محرمانه بزند که هدف آن استفاده سیستماتیک از شکنجه است آنها برای خود این حق را محفوظ می دارند که به آن تن ندهند. هم اکنون هنوز ۹۰ کشور - یعنی نیمی از کل کشورهای جهان این کنوانسیون را نپذیرفته اند و فقط ۳۳ کشور - که عموما کشورهای صنعتی پیشرفته هستند به کمیته حقوق بشر سازمان ملل رسما حق داده اند که حتی شکایات فردی در مورد اعمال شکنجه را هم در قلمرو آنان مورد رسیدگی قرار دهد.

وضعیت کشورهای همسایه و یا نزدیک ایران در رابطه با قرارداد های بین المللی در زمینه حقوق بشر

جدول زیر مرفعیات حقوقی کشورهای مجاور و نزدیک ایران را به لحاظ نحوه برخورد آنان با مهمترین قرارداد های بین المللی در زمینه حقوق بشر نشان می دهد. علامت دایره سیاه در مقابل هر کشوری نشان دهنده امضای اسناد توسط دولت آن کشورهاست.

مذهب و زبان خود اشاره ای نشده است. در مقاله نامه این موارد ذکر شده است. هنوز ۵۷ کشور این مقاله نامه را مورد تصویب قرار نداده اند.

مقاله نامه در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این مقاله نامه دربرگیرنده ی اصولی از اعلامیه جهانی حقوق بشر است که به حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بازمی گردد. از قبیل حق کار، حق مسکن، حق آموزش، بهداشت، حق امنیت اجتماعی، حق حفاظت از خانواده و غیره. اما برخلاف مقاله نامه سیاسی و مدنی، کشورهای امضا کننده این مقاله نامه خود را به اجرای قاطع مفاد آن متعهد نکرده اند، در این مقاله نامه فقط ذکر شده است که امضا کنندگان در راستای اجراء و تضمین این حقوق در حد امکانات خود گام بر خواهند داشت. لذا پذیرش این مقاله نامه برای امضا کنندگان فعلا عملا تعهد آور نیست و حداکثر جنبه تبلیغی و بسیج گرمی تواند داشته باشد. با اینحال هنوز ۵۵ کشور این مقاله نامه را امضا نکرده اند.

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو درباره پناهندگان و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷

این اسناد نیز توسط سازمان ملل تهیه شده و توسط کشورهای داوطلب به امضا رسیده و تصویب گردیده است. ارگان ناظر رعایت این کنوانسیون کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد است. دولت های عضو متعهد به تامین بودجه کمیساریا و همکاری با آن هستند. این کمیساریا دو وظیفه مهمه دارد. تامین حداقل وسایل زیست برای آوارگان جنگی و منازعات قومی و ملی، کمک به کلیه کسانی که به دلایل سیاسی تحت پیگرد قرار می گیرند برای اخذ پناهندگی در کشورهایی که کنوانسیون و پروتکل الحاقی آنها امضا کرده اند. در سال ۹۳ بیش از ۲۰ میلیون نفر - در جهان زیر پوشش کمیساریا - بوده اند. تا پایان سال ۹۳ هنوز ۶۳ کشور این کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن را مورد پذیرش قرار نداده بودند.

مواد الحاقی به

مقاله نامه حقوق مدنی و سیاسی مقاله نامه بین المللی حقوق مدنی دو قسمت الحاقی دارد که

دردنیای خاکی مادر با این سال ۱۹۹۳ یکصد و هشتاد کشور مستقل وجود داشته است. وضع حقوقی این کشورها در قبال اسناد بین المللی در زمینه حقوق بشر بسیار متفاوت است. مهمترین و شناخته شده ترین سند ها در زمینه حقوق بشر عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقاله نامه بین المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی و ضماثم آن، مقاله نامه در زمینه حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کنوانسیون ژنو درباره پناهندگان، کنوانسیون بین المللی درباره منع شکنجه و تصمیمات غیر انسانی. در زیر مروری کوتاه بر وضع حقوق کشورهای در سال ۹۳ در رابطه با این قرارداد ها و قوانین بین المللی مورد اشاره قرار گرفته است

اعلامیه جهانی حقوق بشر

که در دسامبر سال ۱۹۴۴ از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشته است و تقریبا عموم کشورها در اسناد قانونی یا اظهارات مقامات رسمی خود موافقت خود را با آن اعلام کرده اند، پذیرش این اعلامیه توسط کشورها برای آنها بهیچ وجه تعهد آور نیست و هیچ ارگان بین المللی نظارت بر اجرای مفاد آن را توسط کشورها بر عهده ندارد. این اعلامیه یک رشته حقوق فردی - که عموما در قوانین اساسی کشورها هم مورد اشاره قرار می گیرند - را بر شمرده و اهمیت رعایت آن را مورد تاکید قرار داده است.

مقاله نامه بین المللی درباره حقوق سیاسی و مدنی

این مقاله نامه در دسامبر ۱۹۶۶ توسط سازمان ملل تهیه و آماده امضا شده است و فقط از مارس ۱۹۷۶ قوت اجرایی یافته است. این مقاله نامه - برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر سنتی تعهد آور است و دولت های امضا کننده، متعهد می شوند که نظارت سازمان ملل بر اجرای مفاد آن توسط خود را بپذیرند. در رابطه با این مقاله نامه است که کمیته حقوق بشر سازمان ملل تشکیل گردیده است. اساسی این مقاله نامه بر همان اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر استوار است. اینحال در چند زمینه تفاوت با سایر اسناد از جمله ملاحظاتی است فردی نه در اعلامیه مورد تاکید قرار گرفته و به غرض اقلیت های ملی برای خود مختار بهره گیری

نام کشور	مقاله نامه بین المللی درباره حقوق مدنی و سیاسی		کنوانسیون منع شکنجه و تنبیهات غیر انسانی	مقاله نامه بین المللی درباره حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی	درباره حقوق پناهندگی
	مقاله نامه اصلی	ملحقات غیر اجباری			
افغانستان	•		•	•	•
بن	•		•	•	•
امارات					
ارمنستان	•		•	•	•
آذربایجان	•		•	•	•
بحرین					
مصر	•		•	•	•
گرجستان					
هند	•		•	•	•
ایران	•		•	•	•
عراق	•		•	•	•
اسرائیل	•		•	•	•
قزاقستان					
کویت					
لبنان					
پاکستان					
روسیه	•		•	•	•
عربستان					
تاجیکستان					

ستم ملی در ایران واقعیت است، نه تخیل

هر که ناموخت از گذشت روزگار، هرگز ناموزد از هیچ آموزگار

نویسنده در بخش اول مقاله خود، مقاله "ستم ملی در ایران، تخیل یا واقعیت" به قلم بابک زا که در شماره ۷۱ نشریه "کار به چاپ رسید، مورد نقد قرار داده است و نظرات مطروحه در آن مقاله را نادرست خوانده است. در ادامه مقاله "الف-ترکمن" چنین آمده است:

نحوه برخورد به مسئله ملی در رابطه با مسئله ملی دونوع طرز تفکر وجود دارد گروهی صرفاً وجود ملل مختلف را از ریشه نفی می کنند و گروه دیگر وجود آنان را در حد اقوام قبول دارند. در زمان شاه این طرز تفکر که اقوام مختلف را و زبان های آنان را لهجه ای از زبان فارسی و خود آنان را شعبه ای از تقسیمات نژاد ایرانی می دانست، عمل می کرد. برخی دیگر اعراب و ترکمن ها را مهاجمینی از آن سوی مرزها می دانستند که می بایستی اخراج شوند و یا درین فارسی زبانان آسیمیله شوند. تمامی این طرز تفکرات بی خبری مطلق حاملین آنان را از تاریخ این ملل نشان می دهد. به عنوان مثال ما ترکمن ها حتی قبل از تهاجم اعراب در سرزمین فعلی مان در شرق دریای خزر ساکن بودیم بگونه منابع تاریخی (چه مورخین یونانی، چه اعراب و حتی مورخین فارسی زبان) قهرمان ملی ما "چول خان" (الصلولی در منابع

عربی... در زبان عربی چ به ص تبدیل می شود) با مهاجمین اعراب نبرد جانانه ای در دفاع از سرزمین خویش انجام داد. وجود دیوار تاریخی "قل آلان" که به غلط از آن به عنوان "سد اسکندر" یاد می شود وجود مرز بین ترکمن ها و ایرانیان را اثبات می نماید. این دیوار در زمان قباد ساسانی کشیده شده بود.

به هر حال، آنانی که دلشان برای فردای ایران دموکراتیک و به دور از آتش جنگ های داخلی می سوزد می بایستی قبل از هر چیز شناخت دقیق و درستی از تاریخ و فرهنگ های مختلف ایران از آن جمله ترکمن ها داشته باشند و باید قبول نمایند که حکومت های دیکتاتور در محور تاریخ و فرهنگ آنان سال های سال است که کمر همت بسته اند و این عمل ننگین تاکنون ادامه دارد. مطرح کردن مسئله ملی در ایران از سوری مبارزین ملی و همردیف قرار دادن آن با جریانات پان ترکستی کاملاً غلط است و این عمل آنان بیانگر افکار شوونیستی و پان فارسیستی در بین جریانات سیاسی از این دست است. باید که به همدیگر احترام گذاشت و با مهر و محبت بدر دل همدیگر

گوش داد، نه اینکه در معرفی موسیقی گفته شود این یکی "موسیقی اصیل ایرانی" است که در واقع موسیقی فارسی زبان است و در معرفی دیگری گفته شود "موسیقی محلی" که در واقع مثلاً موسیقی ملت ترکمن و یا عرب... می باشد. چرا ما در حد اقوام محلی منزلت داده می شویم و فارسی زبان در حد ملی بالا کشیده می شوند؟ این یک مثال بود. حال تو خود بخوان حدیث فراوان زین مجمل.

باری. ما هنوز در تجربه تاریخ قرار داریم. بیائیم و مثل انسان های شرافتمند از تاریخ درس بگیریم، از محیط اجتماعی خود بیاموزیم، ایده لوگهای سلطنت طلبان قصد سم پاشی در بین ما را دارند. آنها می خواهند زهر نفاق و کینه را در بین ما بپاشند و انتقام شکست پدر تاجدارشان را بگیرند که تا لحظه مرگ فریاد می کشید نگذارید بعد از من ایران، ایرانستان شود. دوستان جوانی که ما را به طر ح مسائل ملی در ایران هستند با یستی قلم را متعهدانه در دست گیرند نه اینکه چرندیات دشمنان ملی را تکرار نمایند. بیائید و مطالعه نمایند که چسان سرزمین آباء

و اجدادی ترکمن ها طعمه زئزال های ستاره بدوش آریامهری شده که هم اینک بنیادهای رنگارنگ اسلامی از آنجمله بنیاد علوی دوباره برنامه فروش اراضی مزروعی ترکمن ها را به خودشان پیش می برد. بیائید و مطالعه کنید که چسان در مدرسه، نوگل ترکمن را به بهانه اینکه فارسی را درست مثل معلم فارسی تلفظ نمی کند زیر دست و پا لگد کوب می کنند. آیا اگر جگر گوشه شما را که هفت سال در منزلتان و "آب" گفته، ناگهان در مدرسه مجبور کنند به جای نان "چوره ک" و به جای آب "سو" بگویند و چون خوب نتوانند اینها را تلفظ نمایند او را زیر شلاق و شکنجه بگیرند، چه حالی پیدا می کنید؟ یک سوزن به خود، یک جوالد و زبه دیگران.

سرزمین ترکمن از شرق دریای خزر شروع شده تا کوهپایه های خراسان در منطقه جرجان ادامه دارد، حکومت های فاشیستی، آنان را در دو استان مازندران و خراسان تقسیم نمودند که اولاً نام خودشان یعنی ترکمنستان استانی بوجود نیاید ثانیاً در انتخابات مجلس نتوانند اکثریت آرا را کسب نموده، نماینده ای از خودشان به مجلس

معروفند می باشد و خواهد بود. مردم ما معمولاً مسائل کشوری و اجتماعی و بالاخره سیاسی را نه در مکانهای مشخصه به همین خاطر، و نه در زمانهای بخصوص به همین خاطر، بلکه در کوچه و خیابان و قهوه خانه و مسجد و عروسی به نقد و مشاوره می کشند و صد البته بیشتر مردان. ایستادن سر کوچه، جمع شدن در فلان کارگاه کفاشی، صحبتی هر چند کوتاه با بقال سر کوچه، با ایجاد کوچکترین سروصدایی جمع شدن صداهای نریک دفعه، سروصدای و جرح داخل اتوبوسها، گپ زدن طولانی اطراف موضوعی اجتماعی در حمامهای عمومی، همه و دهها مورد دیگر نشان می دهند زیست اجتماعی ما تحت فرمها و اشکال مخصوص به خود و متفاوت از فرمهایی است که در غرب شناخته شده اند.

فقط بر اثر رهنمودهای دوست سمپات شما بود که بچه های محل کم کم دور هم جمع شدند، کمی مطالعه کردند و سرانجام به سیل خروشان مردم در ماجرای انقلاب ۵۷ ملحق شدند. هیچ تظاهراتی نبود که ما در آن شرکت نکرده باشیم، از اولین تظاهراتهای تهران از مسجد امام حسین و سپس مسجد قبا گرفته تا فتح رادیوی تهران. خلاصه اینکه ما لات و ژیکول و معتاد نشدیم. انقلاب در گرفت و پس از آن ضربات یکی پس از دیگری بر فرق سر ما شروع به باریدن گرفت. چه از زاویه حکومت و چه از زاویه خودمان

به خودمان. وقتی که به جای کارگران و زحمتکشان آن طور که گفته می شد، افسارمبانی و نسبتاً مرفه جامعه در هیئت هوادار سازمان ظاهر می شدند. و وقتی که در طوفان حوادث دیگر صداقت کافی نبود بلکه دانش نیز. آن زمان که انشعابات شروع شدند آنهم نه ملهم از دانش سیاسی و ضرورت های زمان بلکه صرفاً به خاطر مثلاً اینکه فلانی مشروعیت ندارد، فلانی اپورتونیست است، فلانی جای فلانی را غصب کرده است. و دهها وقت دیگر، ما متوجه شدیم آنچه که سیاست و مبارزه نام دارد بسیار پیچیده تر از آن است که فکر می کردیم. سالها گذشت و چقدر گران بدنی زرنگ با سری کوچک به تکه های مختلف تبدیل شد تا که شعور در هماهنگی با شور قرار بگیرد. امروز از کنگره دوم اندکی می گذرد. بازبینی و تعریف دوباره از خود و اطراف، احساس مسئولیت مجدد نسبت به جامعه، تلاش در جهت بهبود وضع اپوزیسیون، خودداری و مناعت و بالاخره تلاش در سیاسی شدن کامل این جریان، عناصری بودند که متعاقب کنگره اول دنبال شدند.

وارد شدن مفاهیم جدید از قبیل دموکراسی و صلح و تاکید بیشتر روی سوسیالیسم، مسئله آزاییهای اجتماعی و سیاسی بدون قید و شرط و اینکه اصل از اول ما می گفتیم که

بفرستند. برای کوچک نشان دادن سرزمین ما از اصطلاحات "ترکمن صحرا" و "دشت گرگان" استفاده می شود، که کاملاً غلط است و جنبه شوونیستی دارد چرا که سرزمین ما از پدیده های مختلف جغرافیایی مانند دریا، خشکی، کوه و کوهپایه تشکیل شده است ولی هنوز که هنوز است حتی جریانات سیاسی از آن جمله فدائیان خلق اکثریت به پیشنهادات مبارزین ترکمن در اصلاح نام این سرزمین که بنام ترکمنستان ایران خوانده می شود وقتی ننهادند.

سخن در باب مسئله ملی بحث طولانی می طلبد که بدون مطرح نمودن فاکت های تاریخی اعتبار چندانی نمی یابد. لازم است جریانات سیاسی که ما را به مطرح نمودن مسائل ملی می باشند بولتن مشترکی نشر نمایند که در آن صرفاً مسائل ملی در ایران مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته، نقطه نظرهای مختلف ارائه گردد. نویسنده این سطور مراتب آمادگی خویش را در راه اندازی این بولتن اعلام داشته، دست همکاری به سوی صاحب نظرات گرامی دراز می نمایم. بگذاریم که این معضل بزرگ عصر را در ایران دموکراتیک بدون جنجال و هیا و هوا احترام به حقوق همدیگر به سامان برسانیم.

الف. ترکمن
نوامبر ۹۳

از موفقیت های علمی

پشتیبانی کنید

باسلام. با مطالعه انواع مجله ها، روزنامه ها و نشریات ایرانی چه داخلی و چه خارجی اکثراً با موفقیت های هنری و فرهنگی ایرانیان مواجه هستیم. مملکتی که ما عنصری از آن هستیم و به قولی چند هزار سال سابقه تاریخی دارد و سعدی و حافظ و نیما و... داشته است، ذکر یاری رازی و ابوعلی سینا هم داشته است. دکتر حسابی هم دارد. یعنی که چرخ این مملکت را مردم می چرخانند، حال چه پهلوی بوده، چه قاجار و چه خمینی. می دانیم که تاثیر مطبوعات بر خواننده تاثیر مثبت است، آنجا که انگیزه های نهفته در انسان را، با ارائه اخبار و گزارشات صحیح راجع به مقالات مختلفی که در زندگی یک جامعه جریان دارد، به انکشاف در آورد. و بر همین روند است که فکر می کنم ارائه و گزارش اخباری از فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، علمی جاری در ایران هم یکی از وظایف یک نشریه، مثلاً نشریه کار است.

خبر مربوط به ساخت روبات قالبی باف به روش سنتی در کار شماره ۸۳ یکی از این اخبار است. رشد اندیشه های مولد در جامعه، کمک به رشد اجتماع است. می دانیم که اگر حکومتی مردمی بر سر کار باشد و به استقلال و آزادی بیندیشد، شکوفایی اندیشه های مولد بر بستری طبیعی خود در حضور هر رژیم مردمی به زندگی ادامه می دهند. حال که جوانان ایرانی، چه در داخل و چه در خارج در بعد وسیعی به دلیل مختلف عاجز از استفاده از امکانات موجود هستند، بهتر است که نشریات واقعا به جوانان بیندیشند و انگیزه های علمی و اجتماعی آنها را نیز به تحریک وادارند. حضور یک پزشک، یک متخصص خوب در زمینه های علمی مثل کامپیوتر، ریاضی، شیمی، فیزیک، بانکداری، مکانیک، برق و... ربطی به حکومت ندارد و این جوشش ذاتی جامعه است. امیدوارم که در شماره های بعد شاهد اخباری از موفقیت های دیگر هموطنان خود چه در ایران و چه در خارج در زمینه های فوق باشیم. حال می خواهد اگر چه مثلاً جهاد سازندگی دانشگاه شریف به پدیده ای نودست یافته باشد. عضو جهاد سازندگی، عضو حکومت نیست. با درود. علی-هامبورگ (آلمان)

انقلاب شکست خورد...

تحول و دگرگونی در راستای بشریت شکست خورد... زیبایی، حقیقت، درستی و خوبی به تعویق انداخته شد. به صحنه می آیند: تمام شد. رفت. شکست خورد... اما در واقع چه چیز شکست خورد؟ انسانیت؟ نیا انسان به دنیایی بهتر چنین چیزی ممکن نیست چون انسان یک انسان است. چه چیز شکست خورد؟ برابری و آزادی و خواهی؟ باور به پیروزی تلاشهای انسانی؟ چنین چیزی ممکن نیست چون شکست همیشه بوده است آنچه که در واقع شکست خورد زود باوری رهروان، سادگی و تعجیل رهبران بود اما اندکی طولانی چیزی که نصیب مان شد اما از شکست، خود ناباوری و خود باختگی ست که خود محکوم به شکست است اما کوتاه. چون از هم اکنون مردم خود دست به کار خواهند شد یا زندگی بهتر یا هجوم به غرب یا کار یا تظاهرات یا تا مین زندگی یا سرپیچی از

قوانین یا روزهای بهتر یا زدنی و غارت و گسترش مافیا در یک کلام یا عدالت اجتماعی یا مبارزه در هر سطح و به هر شکل چون سطح پیشرفت از سطح عدالت بالاتر است! با اسلام و درود فراوان به دوستان عزیز فدایی بعد از گذشت سالها از آن جنب و جوشی که در واقع سراسر ایران را فرا گرفته بود، جنبشی که مردم عادی در کردستان به نام داس و چکشی ها می شناختندش حرکتی که به طور جدی ابتدا کلمه و به تدریج مفهوم "چپ" را در ذهن هواداران زن و مرد جوان در کوچه و خیابان و کارخانه مطرح کرد و بالاخره بعد از سپری شدن سالهای دریدری و تعقیب و انشعاب فرهنگی و ملالت که شما دچارش بودید این اولین نامه ایست که خدمت شما تقدیم می کنم. تمایل و هواداری من از شما یعنی در واقع از خود و خانواده و کشور و مردمم از سالهای ۵۴ و ۵۵ شروع شد. این اما از طریق آشنایی با یکی از سمپاهای شما در محله مان واقع در نیروی هوایی تهران صورت گرفت. کشور ما اگر نگوییم هزاران بلکه صدها مورد دارای اختلاف و عدم اشتراک با جوامعی که به کلاسیک

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا: _____</p> <p>ششماه ۴۵۰۰۰ مارک</p> <p>یکسال ۹۰۰۰۰ مارک</p> <p>سایر کشورها: _____</p> <p>ششماه ۵۲۰۰۰ مارک</p> <p>یکسال ۱۰۴۰۰۰ مارک</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>حساب بانکی: M.ABD آدرس: _____</p> <p>RUZBEH</p> <p>POSTFACH 1810 NR_35263011</p> <p>52020 AACHEN 37050198</p> <p>GERMANY Stadtparkasse Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>شماره فکس: _____</p> <p>Fax: 0049 _ 221 _ 3318290</p>
--	--	---	--

کیم ایل سونگ در گذشت

کیم ایل سونگ رهبر کره شمالی که ۴۵ سال زمام امور جمهوری دموکراتیک خلق کره را در دست داشت، پنجشنبه ۱۶ تیرماه بر اثر سکته قلبی در گذشت. خبر درگذشت کیم ایل سونگ با بیش از ۲۴ ساعت تأخیر اعلام شد. از آنجا که حیات کره شمالی از آغاز تا امروز با نام کیم ایل سونگ گره خورده است، تصور اینکه پس از مرگ او، در این کشور جای خالی رهبر بزرگ چگونگی نخواهد شد، دشوار است. از حدود ۲۰ سال پیش، از کیم جونگ ایل پسر کیم ایل سونگ به عنوان جانشین آتی پدرش نام برده می‌شود، انتظار می‌رود پس از خاکسپاری کیم ایل سونگ در روز یکشنبه ۲۶ تیرماه، انتخاب کیم جونگ ایل به رهبری حزب و دولت کره شمالی رسماً اعلام شود. کیم ایل سونگ در سال ۱۹۱۲ در نزدیکی پیونگ یانگ به دنیا آمد. پدر

او معلم بود. خانواده کیم در سال ۱۹۲۵ به دنبال اشغال کره توسط ژاپن به چین رفت. کیم ایل سونگ در چین به مدرسه رفت و در سال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست چین درآمد. او در جنگ چریکی علیه اشغالگران ژاپنی، فرماندهی یک سپاه ارتش چین را که در آن، تعداد زیادی از افراد کره‌ای می‌جنگیدند، بر عهده داشت. پس از شکست در یک مرحله از جنگ، کیم ایل سونگ به همراه نیروهای تحت فرمان خود به شوروی عقب‌نشینی کرد و در سال ۱۹۴۵، به همراه ارتش سرخ به کره بازگشت. سه سال بعد، در سال ۱۹۴۵، کیم ایل سونگ جمهوری دموکراتیک خلق کره را بنیاد نهاد. در سال ۱۹۵۰ جنگ کره میان شمال و جنوب این کشور در گرفت. شوروی و چین از کره شمالی، و غرب از کره جنوبی حمایت می‌کردند. جنگ کره به تجزیه کره خصلت دائمی داد. کره شمالی تحت رهبری کیم ایل



کیم ایل جونگ، جانشین پدر سونگ ملاقات کند. اما پس از درگذشت کیم ایل سونگ، دولت کره شمالی در یک یادداشت کوتاه به کره جنوبی اطلاع داده است که دیدار سران دو کشور نمی‌تواند انجام پذیرد.

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

اجلاس سران هشت کشور صنعتی در ناپل

برای نخستین بار، رئیس جمهور روسیه به جمع شرکت کنندگان در اجلاس های منظم سران هفت کشور صنعتی غرب پیوست. در آخرین نشست رؤسای جمهور روسای دولت این کشورها که در ناپل برگزار شد، اروپای غربی پیشنهاد های آمریکا برای کاستن از موانع گمرکی تجارت آزاد را رد کرد. ایالات متحده خواستار آن شده بود که یک گروه کار، به بررسی راه های لیبرالیزه کردن بازار خدمات، محصولات کار فکری، تجارت هوایما، مخابرات و نیز هماهنگ کردن شبکه های بین المللی کامپیوتری بپردازد. اروپا به ویژه فرانسه، این پیشنهاد را با این استدلال رد کرد که نخست باید منتظر نتیجه دادن قرارداد گات شد.

امکان مداخله نظامی در هائیتی

بدنبال اخراج بازرسان حقوق بشر سازمان ملل از هائیتی توسط حاکمان نظامی این کشور، احتمال مداخله نظامی آمریکا در این جزیره دریای کارائیب بیشتر شده است. آنچه ایالات متحده را به ویژه به بررسی چنین امکانی وامی دارد، پناهنده شدن ده هزار نفر از اهالی هائیتی به آمریکا است. علاوه بر تحریم اقتصادی که وضع زندگی مردم هائیتی را بسیار وخیم کرده است، با فشاری حکومت نظامی این کشور بر حفظ قدرت به هر قیمت، از جمله کشتار مخالفان، انگیزه فرار مردم است. سازمان ملل، حکومت هائیتی را که با یک کودتا بر سر کار آمده است، به رسمیت نمی‌شناسد.

خمرهای سرخ دولت موقت تشکیل می دهند

بدنبال اعلام ممنوعیت خمرهای سرخ در کامبوج، آنها اعلام کردند که یک دولت موقت تشکیل می دهند. قرار است این دولت در منطقه تحت کنترل خمرهای سرخ در شمال کامبوج مستقر شود. روز ۱۶ تیرماه پارلمان کامبوج تصمیم گرفت خمرهای سرخ را ممنوع اعلام کند. این تصمیم با مخالفت سیهانوک پادشاه کامبوج روبرو شده است که ممنوع شدن خمرهای سرخ را مانعی بر سر راه مذاکرات با آنها می‌داند.

دوسوم رواندا تحت کنترل جبهه میهنی است

بدنبال تصرف کنگالی با بتخت رواندا توسط شورشیان جبهه میهنی، این جبهه اعلام کرد که یک دولت وحدت ملی تشکیل خواهد داد. به گفته رهبران این جبهه که دوسوم خاک رواندا را تحت کنترل خود دارد، دو حزب تحت نفوذ قبیله هوتو به علت دخالتشان در قتل عام مخالفان دولت ساقط شده، و به ویژه کشتار افراد قبیله توتسی، در دولت جدید شرکت داده نخواهند شد.

میانجی گری ماندلا در جنگ آنگولا

نلسون ماندلا رئیس جمهور آفریقای جنوبی می‌کوشد در جنگ داخلی آنگولا میانجی گری کند. وی دو هفته پیش با رؤسای جمهور آنگولا، موزامبیک و زیمبابوئه در تریا ملاقات کرد. در جریان این دیدار قرار شد گفتگوهای آنگولا و زیمبابوئه که از شورشیان آنگولا حمایت می‌کند، از سر گرفته شود. انتظار می‌رود یونسو ساومبی رهبر شورشیان اویتینا در آنگولا نیز به زودی در آفریقای جنوبی با ماندلا دیدار کند.

رئیس جمهور جدید اوکراین برگزیده شد

بحران اقتصادی اوکراین، بدون پرده پوشی سخن می‌گفت. کوچما پس از انتخابات اخیر، مهمترین



لئونید کوچما، برنده انتخابات اوکراین

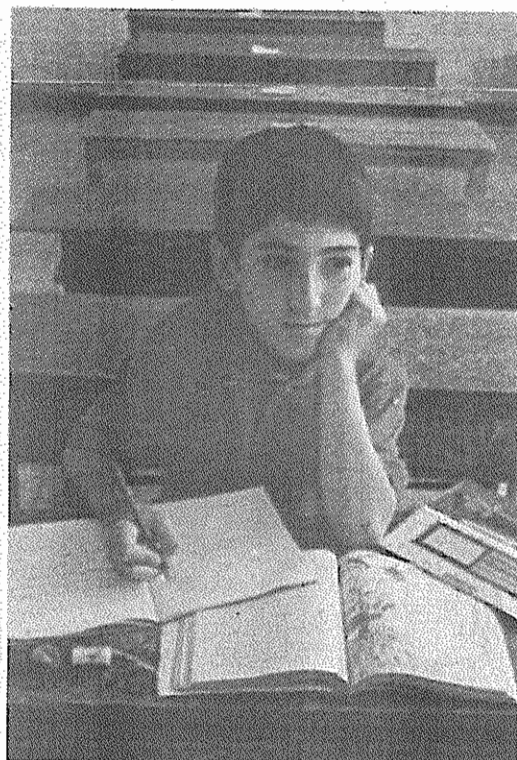
اوکراین، ۵۵ سال دارد و مهندس است. وی بر خلاف سلف خود کراچوک، که مراتب ترقی خود را قبل از هر چیز به عنوان یک کادر حرفه‌ای حزبی طی کرده است، از کادری دارای تربیت تکنوکراتیک محسوب می‌شود. لئونید کوچما پس از تحصیلات دانشگاهی، در مرکز فزایی با یکانور مشغول به کار شد و اندکی بعد، در این مرکز عهده دار مسئولیت‌های مهمی گردید. در سال ۱۹۷۹، کوچما به خاطر ساختن موشکهای معروف به SS-۱۸ و SS-۲۰ جایزه لنین را دریافت کرد. وی از سال ۱۹۸۶ به بعد، ریاست مجتمع یوشماش واقع در دنیپروپتروفسک اوکراین را که بزرگترین و مدرن ترین تأسیسات موشکی و تسلیحاتی شوروی بود، بر عهده داشت. کوچما در پائیز ۱۳۷۱ به نخست وزیری اوکراین برگزیده شد و یازده ماه در این سمت بود. وی یکی از معدود سیاستمداران بود که در دوره مسئولیت خود، درباره ابعاد

ادامه از صفحه ۱۲

بر گزار شد، ۶۹ درصد بود. لئونید کراچوک در آذرماه ۱۳۷۰ با ۶۰ درصد آرا به عنوان نخستین رئیس جمهور اوکراین برگزیده شده بود. همزمان با انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری اوکراین، فرماندومی برگزار شد که طی آن، حدود ۹۰ درصد شرکت کنندگان به استقلال اوکراین رأی دادند. اکنون به نظر می‌رسد پیروزی کوچما در انتخابات به دنبال شکست نیروهای ناسیونالیست و طرفدار غرب در انتخابات پارلمانی اسفندماه گذشته، نشانه‌ای از چرخش سیاسی در اوکراین در جهت نزدیکی به روسیه است. مهمترین علت این چرخش، بحران اقتصادی اوکراین است که اکثریت مردم این کشور را نسبت به عواقب استقلال، بدبین کرده است. کوچما، رئیس جمهور آینده

نظام طبقاتی آموزش در ایران

ادامه از صفحه ۸



شود، به یقین اما در ایران دستاویز سپردن کار مردم به دست مردم به معنای جناب عالی پیردازید تا من راه خروج کردنش را پیدا کنم تعریف می‌شود. در حکومت مذهبی ایران نظارت بر خرج شدن وجوه پرداختی توسط مردم اصلاً معنی ندارد.

(ب) رده بندی مدارس:

بر اساس مصوبات مجلس شورای اسلامی و شورای عالی آموزش و پرورش می‌توان مدارس کشور را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- مدارس دولتی

۲- مدارس نیمه دولتی

۳- مدارس غیرانتفاعی

۱- مدارس دولتی: این نوع مدارس به دو نوع تقسیم می‌شود: الف) مدارس عادی دولتی. (ب) مدارس نمونه دولتی.

الف) مدارس عادی دولتی: به مدارسی گفته می‌شود که کلیه هزینه های آن را دولت می‌پردازد و ظاهراً بنا بر بخشنامه ها و دستور عمل های گوناگون دریافت هر گونه وجهی به هنگام ثبت نام در آنها ممنوع است. البته آنچه در جریان عمل پیش می‌آید ربط چندانی به این تعریف ندارد. در این مدارس انجمن اولیا و مربیان در طول سال اغلب کمکهایی را به صورت داوطلبانه از مردم می‌گرفتند. این کمکها صرف هزینه های آب و برق، گاز، سوخت زمستانی، تعمیرات جزئی و کمک به دانش آموزان

کم بضاعت می‌شد. اما رفته رفته برخی مدارس دولتی به این نتیجه رسیدند که این کمکها کافی نیست و باید از طریق دیگر مبالغی از پدران و مادران دانش آموزان دریافت کنند. امروزه پاره ای از مدارس دولتی هم در ابتدای کار کمک می‌گیرند و هم بعدها برای دریافت کمک هزینه هایی دیگر به انجمن اولیا و مربیان متوسل می‌شوند. باید گفت از حیث تعداد، هنوز ۵۵ درصد مدارس کشور دولتی می‌باشند. اما با سیاستهایی که رژیم در پیش گرفته، تخمین زده می‌شود که هر سال از تعداد این مدارس کاسته شود تا جایی که فقط در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و مناطق محروم این مدارس باقی بمانند و بقیه تبدیل به مدارس به اصطلاح غیرانتفاعی شوند.

ب) - مدارس نمونه دولتی: این مدارس طبق رای شورای عالی آموزش و پرورش از سال ۱۳۶۵ به بعد در ایران دایر شده است این مدارس فقط برای دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه دایر است. این مدارس نمونه دولتی هستند و کلیه هزینه های پرسنلی و خدماتی و تجهیزاتی آنها را دولت تأمین و پرداخت می‌کند. شرط ورود به این مدارس، علاوه بر حسن اخلاق، مطابق ماده ۱۰ اساسنامه این مدارس، دارا بودن حداقل معدل کتبی ۱۶ برای فارغ التحصیلان پایه پنجم ابتدایی و ۱۵ برای فارغ التحصیلان پایه سوم راهنمایی تحصیلی است. در حال حاضر حدود ۱۶۰ آموزشگاه نمونه دولتی با ۲۸۰۰ مقامات آموزشی کشور این مدارس به قصد ایجاد امکان و فرصت برای دانش آموزان مستعد مناطق محروم کشور و روستا زادگان با استعداد دایر شده است. البته مشکلات آموزشی و کمبود کلاس و بودجه و ... باعث می‌شود که تعداد بسیار ناچیزی در این مدارس بتوانند تحصیل بکنند.

ادامه دارد

عدن به تصرف نیروهای یمن شمالی درآمد

روز پنجشنبه ۱۶ تیر، بندر عدن پایتخت یمن جنوبی به تصرف نیروهای یمن شمالی درآمد. در همین روز، تلویزیون عدن صحنه‌هایی از ورود نیروهای مهاجم به این شهر را نشان داد و آرم تلویزیون یمن شمالی را پخش کرد. بدین ترتیب، به جدایی جنوب که در اوایل خرداد ماه توسط رهبران آن اعلام شده بود، خاتمه داده شد.

حیدر ابوبکر العطاس نخست‌وزیر یمن جنوبی که پس از وحدت شمال و جنوب یمن ریاست دولت یمن متحد را بر عهده گرفته و دو ماه پیش به همراه سایر رهبران سابق یمن جنوبی استقلال این بخش را اعلام کرده بود، هنگام تصرف عدن در مقر سازمان ملل در نیویورک به سر می‌برد. وی گفت مذاکراتی برای تسلیم عدن ضمن حفظ امنیت و صدور اجازه خروج رهبران یمن جنوبی از این شهر در جریان است.

حزب یمن گفتگوهایی را برای تشکیل یک دولت وحدت ملی آغاز کردند. برخی از رهبران حزب سوسیالیست یمن نیز که در جنوب اعلام استقلال کرده بود، بدین مذاکرات پیوستند. عبدالکریم العریانی وزیر برنامه یمن شمالی و نماینده این دولت در مذاکرات با جنوب که گفته می‌شود نخست‌وزیر آینده است، گفت عفو عمومی شامل حال همه رهبران جنوب خواهد شد. العریانی در نیویورک با رهبران یمن جنوبی

مذاکراتی داشته است. وی در یک مصاحبه با روزنامه الحیات چاپ عربستان سعودی گفت حتی علی سالم البیض رئیس جمهور یمن جنوبی نیز می‌تواند به یمن بازگردد. روز شنبه ۱۸ تیر، علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن دستور خروج نیروهای از عدن را صادر کرد.

العطاس نخست‌وزیر جنوب در مصاحبه‌ای با خبرگزاری کویت گفت نیروهای شمال در جریان تصرف عدن، فرماندار این شهر را کشته‌اند. به گزارش خبرگزاری‌ها، فاتحان عدن پس از اشغال این شهر به غارت پرداختند. مغازه‌ها، کنسولگری‌ها و ساختمان‌های بسیاری مورد چپاول نیروهای یمن شمالی قرار گرفت. این نیروها همچنین روز جمعه ۱۷ تیر تنها کارخانه آبجوسازی عدن را ویران و موجودی انبار آن را نابود کردند.

پیروزی نظامی یمن شمالی در جنگ داخلی دو ماهه این کشور، دور از انتظار نبود. یمن شمالی که چهار برابر یمن جنوبی جمعیت دارد، از همان ابتدای وحدت دو کشور در سال ۱۳۶۹، در دولت واحد و از جمله در ارتش، دست بالا را داشت. داشتن چند موشک اسکاد نمی‌توانست ضعف نیروهای جنوب را در مقایسه با شمالی‌ها جبران کند. نظریه این برتری شمال، صرفاً اینکه جنوب یمن توانست دو ماه در برابر نیروهای شمال مقاومت کند، غیر منتظره بود.

با اینکه دولت صنعا، وحدت یمن را به زور اسلحه احیا کرده است، می‌توان گفت که چهار سال پس از اتحاد دو یمن، تلاش برای وحدت مسالمت‌آمیز این پرجمعیت‌ترین کشور جزیره العرب، شکست خورده است. با اینکه رهبران شمال دم از آشتی می‌زنند، باید پرسید وقتی در شرایط مساعد پس از پایان جنگ سرد، شمال و جنوب یمن نتوانستند اتحاد خود را با موفقیت به پیش برند، چگونه پس از تحقیری که اکنون جنوب متحمل شده است، می‌توان انتظار یک مصالحه را داشت؟ رویدادهای ماه‌ها و هفته‌های اخیر، در جنوب یمن به نفع از رهبران شمال دامن زده است.

عدن در جنگ داخلی به سختی آسیب دیده است. شبکه آبرسانی این شهر مختل شده است و خطر شیوع بیماری‌های واگیر وجود دارد. بعید نیست که در عدن یا پیرامون آن، حرکت‌های چریکی علیه نیروهای شمال شکل گیرد. علی سالم البیض رهبر یمن جنوبی، یمن را ترک گفته است و مجل اقامت او معلوم نیست. دولت عمان گزارشی‌ها را که حاکی از اقامت البیض در مسقط پایتخت عمان بود، تکذیب کرده است.

رویدادهای اخیر یمن جنوبی یادآور درگیری‌های خونی هشت سال پیش در رهبری یمن جنوبی است. در آن هنگام، علی ناصر محمد رئیس جمهور وقت یمن جنوبی ناچار به ترک این کشور شد و هنوز در تبعید است. انتظار می‌رود برخی از رهبران یمن جنوبی نیز که اخیراً اعلام استقلال کردند، از خارج از یمن به مبارزه علیه دولت صنعا ادامه دهند.

نقش همسایگان یمن در جنگ داخلی این کشور بسیار مبهم بود. کشورهای محافظه کار حاشیه جنوبی خلیج فارس به استثنای قطر ظاهر از یمن جنوبی حمایت می‌کردند و از این طریق، نارضایتی خود را از طرفداری علی عبدالله صالح رهبر شمال از صدام حسین به نمایش گذاشتند. اما حمایت شورای همکاری خلیج از یمن جنوبی تا حدی نبود که بتواند جلوی پیروزی نظامی یمن شمالی را بگیرد. آنچه مسلم است، این است که عربستان سعودی یمن دوپاره را به یمن متحد ترجیح می‌دهد. در یمن طی سال‌های اخیر ذخایر نفتی سرشاری کشف شده است. در صورتی که یمن متحد بماند، به یک تولیدکننده عمده نفت تبدیل خواهد شد. علاوه بر این، عربستان سعودی و یمن شمالی اختلافات مرزی دارند که به ۱۶۰ سال پیش بازمی‌گردد. در آن هنگام، عبدالعزیز ابن سعود بنیانگذار عربستان سعودی در یک درگیری نظامی استان نجران یمن را تصرف کرد.

موج جدید خشونت در الجزایر

روز دوشنبه ۲۰ تیرماه، ۱۱ نفر در الجزایر قربانی موج جدیدی از خشونت سیاسی شدند. بر اثر انفجار بمب در یک رستوران در شهر الجزیره، چهار نفر کشته و دو نفر مجروح شدند. از جمله کشته‌شدگان، دو نفر شهروند یوگسلاوی سابق بودند. صبح همین روز، در پایتخت الجزایر پنج شهروند خارجی که عبارت بودند از یک روس، دو بلاروس، یک اوکرائینی و یک رومانیایی، به ضرب گلوله بنیادگرایان اسلامی به قتل رسیدند. بدین ترتیب شمار اتباع خارجی مقیم الجزایر که از پایان سال گذشته تا کنون کشته شده‌اند، به ۴۹ نفر رسید. دو هفته پیش نیز هفت ملوان ایتالیایی در الجزایر به قتل رسیده بودند.

روزه شنبه ۲۱ تیر در حمله به یک اتومبیل پلیس الجزایر در مقابل سفارت ایتالیا در این کشور، دو مأمور پلیس و دو نفر از مهاجمین کشته شدند. بدنبال این حادثه، وزرای خارجه ایتالیا و فرانسه دیدار کردند و گفتند در صورت وخیم‌تر شدن وضع امنیت در الجزایر، شهروندان خود را از این کشور خارج خواهند کرد. روسیه نیز در صدد تنزل دادن سطح روابط خود با الجزایر است. به گفته وزیر خارجه روسیه، دولت این کشور در مورد حفظ جان اتباع خود به الجزایر هشدار داده است. سران هفت کشور صنعتی غرب نیز که در ناپل گرد آمده بودند، از

دولت الجزایر مژکد آخواستند که با بنیادگرایان به مذاکره بنشینند. از دو سال و نیم پیش تا کنون در الجزایر ۴۰۰۰ نفر قربانی درگیری میان نیروهای دولتی و بنیادگرایان شده‌اند. در زمستان سال ۱۳۷۰، دولت الجزایر نتایج نخستین انتخابات آزاد پارلمان این کشور را حاکم از پیروزی بنیادگرایان بود، ملغی اعلام کرد و از آن هنگام تا کنون، با مقررات وضعی فوق‌العاده حکومت می‌کند.

فرانسه مهم‌ترین دولت خارجی پشتیبان دولت الجزایر است. امسال نیز مانند سال گذشته، پاریس برای خرید دارو و مواد غذایی بیش از یک میلیارد دلار در اختیار الجزایر گذاشت. ژوئه وزیر خارجه فرانسه ضمن تشویق دولت الجزایر به مبارزه با تروریسم، این مبارزه را یک پیکار طولانی دانست.

موج جدید خشونت در الجزایر نشان می‌دهد که تلاش‌های زروال رئیس شورای دولتی الجزایر برای گفتگو با بنیادگرایان به جایی نرسیده است. سه ماه پیش، زروال نخست‌وزیر سابق را به دلیل اینکه با مذاکره با بنیادگرایان مخالف بود، وادار به استعفا کرد. زروال حتی به ملاقات رهبران زندانی جبهه نجات اسلامی رفت.

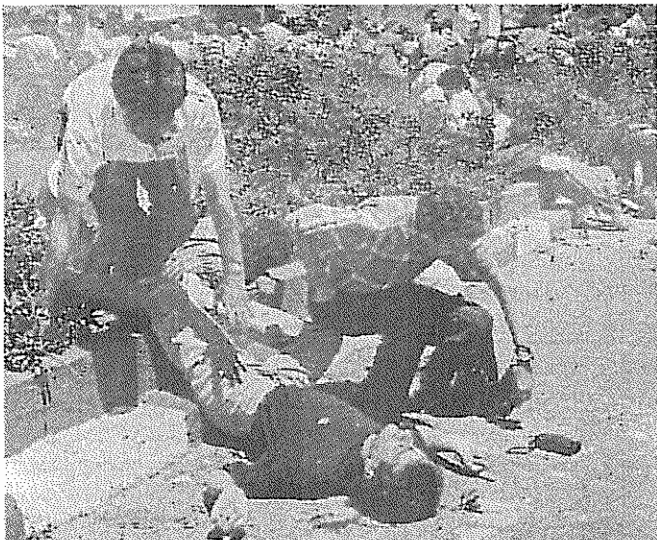
عرفات به وطن خود بازگشت

پاریس گفت که در آینده نزدیک به بیت المقدس سفر نخواهد کرد. آغاز کار حکومت خودمختار فلسطینی، هنوز با دشواری‌های زیادی همراه است. وزرای این دولت که تعداد آنها ۱۸ نفر است، عملاً بودجه‌ای در اختیار ندارند که کار خود را شروع کنند. این در حالی است که بنیادگرایان حماس، مهم‌ترین گروه فلسطینی مخالف عرفات، به سبک معمول افراتیون

را دارد، فرا خواهد خواند تا طی نشست در غزه، منشور ساف را تغییر دهد. قرار است از این منشور، عباراتی که به "نابودی اشغالگران صهیونیست و امپریالیست وطن بزرگ عربی" اشاره دارد، حذف شود. اعلام تشکیل قریب الوقوع اجلاس شورای ملی فلسطین، بلافاصله پس از مذاکرات عرفات با رابین و پترز نخست‌وزیر و وزیر خارجه اسرائیل در پاریس صورت گرفت. عرفات در

پاریس عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به عنوان رئیس حکومت خودمختار فلسطینی در غزه مستقر شد. با انتقال مقر عرفات از تونس به غزه، دوره تبعید طولانی رهبری ساف پایان یافت. در سال ۱۳۶۱، رهبری ساف به دنبال اشغال لبنان توسط اسرائیل ناگزیر شد مقر خود را از بیروت به تونس منتقل کند.

عرفات در آستانه انتقال مقر خود به غزه، طی سفری به پاریس اعلام کرد در آینده خیلی زود شورای ملی فلسطین را که حکم پارلمان در تبعید



الجزیره، اوایل تیرماه: در جریان یک راهپیمایی اعتراضی علیه بنیادگرایان، چند نفر کشته و مجروح شدند

رئیس جمهور جدید اوکراین انتخاب شد

لئونید کوچمان نخست‌وزیر پیشین اوکراین توانست در مرحله دوم انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری اوکراین، لئونید کراوچوک رئیس جمهور فعلی را شکست دهد. کوچما ۵۲/۱ درصد آرا را به خود اختصاص داد، در حالی که کراوچوک به ۴۵/۵ درصد آرا دست یافت. یکی از مهم‌ترین نکات برنامه‌ای که کوچما در مبارزه انتخاباتی خود اعلام کرد، ادغام اقتصادی کامل اوکراین با روسیه و سایر جمهوری‌های سابق شوروی است. در رأس برنامه کوچما، احیای نظم و انضباط است.

مرحله دوم انتخابات اوکراین نیز مانند نخستین مرحله آن، شکاف عمیقی میان شرق و غرب اوکراین به

نمایش گذاشت. در حالی که بخش صنعتی اوکراین واقع در شرق این کشور، به وضوح جانب کوچما را گرفت، در مناطق غربی که حوزه نفوذ ناسیونالیسم اوکرائینی است، کراوچوک اکثریت را به خود اختصاص داد. کوچما در منطقه لوگانسک و شبه جزیره کریمه به ۹۰ درصد آرا دست یافت و حدود ۸۰ درصد رأی دهندگان منطقه دونتسک که معادن آن مشهور است، به او رأی دادند. در مقابل، کراوچوک در منطقه لووف نزدیک به ۹۴ درصد آرا را کسب کرد. میزان مشارکت مردم اوکراین در انتخابات اخیر که روز ۱۹ تیرماه ادامه در صفحه ۱۱



افغانستان: گروه‌های رقیب مجاهد هر آنجا و تا آنجا که می‌توانند مخالفین خود را بطور وحشیانه‌ای کشتار می‌کنند. عکس صحنه‌ای از اعدام‌های دسته‌جمعی را نشان می‌دهد.